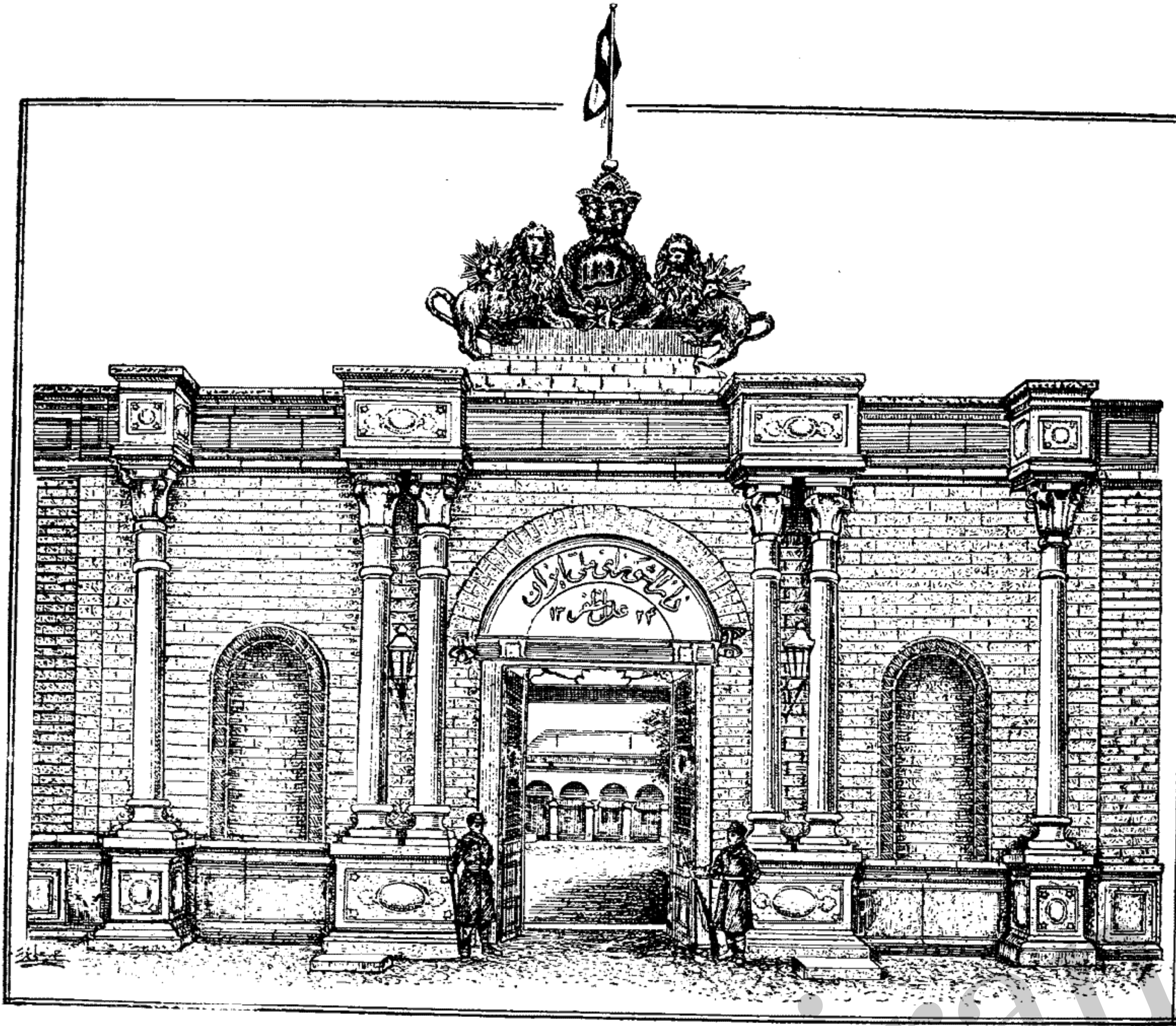


<p>جلسه ۹۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره شصتم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ شوال المکرم ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ شوال المکرم ۱۳۴۵

جلسه ۹۴

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست
 آقای پیرنیا تشکیل
 و صورت مجلس روز سه شنبه پنجم اردیبهشت
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : موقر - حائری زاده - ضیاء - حشمتی -
 محمد آخوند - بالیزی - میرزا ابراهیم خان قوام - عباس
 میرزا - نوبخت - ثابت

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور نسبت بخر کیسیون بودجه راجع بمطالبات کمیای شنیدر کروزو فرانسوی	۱۱۹۴	۱۲۲۰

(غائبین بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: حاج آقا رضا رفیع - علی خان اعظمی -
دشتی - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
(دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل)

آقایان: دکتر سنک - عراقی - شبروانی - روحی
شریعت زاده - بهار - ثقة الاسلامی - محمود رضا
(دیر آمده بی اجازه جلسه قبل)

آقای: خطیبی.

رئیس: آقای خطیبی.

خطیبی - عرض کنم که بنده اجازه خواسته بودم
قبل از دستور عریاضی عرض کنم ولی چون در صورت
مجلس بنده را غائب بی اجازه نوشته اند عرض میکنم
که بنده اجازه خواسته بودم. يك ساعت دیر آمدم
اجازه هم خواستم توسط تلفن. و استدعا میکنم که
اجازه بنده هم محفوظ بماند قبل از دستور عریاضی هم دارم
رئیس - تقاضائی که راجع با اجازه میشود ارجاع
میشود به کمیسیون اگر غائب بی اجازه نوشته اند برای
این بوده است که کمیسیون تصویب نکرده است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آن جا که در صورت مجلس آقای
حائری زاده را غائب با اجازه نوشته اند می خواستم عرض
کنم که آقای حائری زاده الحمدالله در تمیز هستند و قسم
هم خورده اند فرمایشات هم صادر شده است و روز
دوشنبه هم این مقام را حائز شده اند دیگر غائب بی
اجازه نوشتن نمیدانم چه صورتی دارد.

رئیس - اصلاح میشود. آقای فومنی

فومنی - آقای رفیع را در صورت مجلس غائب بی
اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان مریض بودند کراراً
هم اینجا اظهار شده نمیدانم حالا چرا دیگر بی اجازه
نوشته اند. تمنا می کنم اصلاح شود.

رئیس - بعد از مراجعه به کمیسیون اصلاح میشود
آقای نابت
آقا شیخ محمدعلی نابت - بنده را هم غائب بی اجازه
نوشته اند در صورتیکه اجازه خواسته بودم.

رئیس - صورت مجلس معارضی دارد یا نه؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - دستور.

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به مطالبات کپائی
شنیدید کروزر مطرح است.

وزیر معارف - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

وزیر معارف - لایحه قانونی است راجع به چند ماده
که ضمیمه خواهد شد بقانون طبابت تقدیم مجلس شورای
ملی میشود.

رئیس - باید مراجعه شود به کمیسیون معارف. آقای

حق نویس

حق نویس - بنده با اینکه اگر دولت دینی داشته
باشد باید بدهد هیچوقت مخالف نیستم دین را باید بدهد و
باز هیچگاه مخالفت ندارم با اینکه اگر دولت امضائی داده
و تعهدی کرده باشد بر خلاف آن امضاء و تعهدش اقدامی
نکند. باید در قبال تعهدش دینش را هم بدهد. چیزی که
هست در این زمینه دو سه چیز من را بمخالفت او داشته
یکی موقعیت دعوی است. برای اینکه بالاخره چیز مسلم این
است این دعوی تقریباً از بیست و دوسال باین طرف جریان
دارد. اگر چه من رقم به کمیسیون و خواستم درسیه را
به بیم گفتند دوسیه را برده اند و جزئیات دوسیه را
فحص نکردم ولی يك دعوائی که در ظرف بیست و دو
سال جریان دارد این دعوی اگر يك مبنای روشن و
يك اساس واضح و ثابتی داشت یعنی حقیقه دولت يك

تعهدی کرده بود و مطابق اصول تعهد هم رفتار شده بود
بدهی دولت هم معین بود و این طول زمان فقط برای
ادای طلب کپائی بود یعنی يك طلب قطعی بود و دولت
هم قبول داشت که باید بکمیائی بدهد و فقط استمهال
میکرد در این مدت که من حالا پول ندارم و فلان
وقت میدم آنوقت این موضوع دیگر قابل تحقیق و
رسیدگی نبود و يك طلبی بود قطعی و دیگر موضوعی
نبود که موافقین هم در اطرافش بعد از يك رسیدگی هائی
موافقت بکنند. يك چیز واضح و بدیهی بود و هیئت
دولت يك بدهی داشت مدتی هم استمهال کرده بود بعد
هم میداد. اگر فی الواقع موضوع اینطور بود دیگر کمیسیون
بودجه را هم لازم نداشت که مدتهای مدید رسیدگی
کند. سو کمیسیون لازم نداشت. پیدا کردن مدارك
و اسناد و این که دولت چقدر داده و چقدر باید
بدهد لازم نبود یا اگر يك طلب مسلم قطعی از
يك کپائی اروپائی بود دیگر فضل کردن و از
يك مقدارش گذشتن لازم نداشت. يك کپائی يك طلب
مسلمی میگویند دارد. اگر مدارك قطعی دارد دیگر
از يك مقدارش همینطور بگذرد و اغماض کنند این یعنی
چه؟ در اصل معامله من وقتی باظهارات آقایان موافقین
گوش میکردم دیدم يك چیز هائمی می فرمایند. مثلاً
میگویند کپائی در عین اینکه يك جنسی فروخته است
و تسلیم کرده است پول يك مبیع دیگری را هم که از
يك کپائی دیگر خریده اند آنرا هم این کپائی داده است
یا مأمورینی را که دولت ایران فرستاده است برای اینکه
از طرف دولت ایران نظارت و تحقیقات کند کپائی
مخارج او را هم داده است. این طرز معامله يك کپائی
اروپائی بنده را خیلی ظنن کرد که این معامله يك
معامله سر راست و روشن و واضحی نیست که دولت
يك چیزی را مثلاً خریده باشد و مبیع هم مطابق اصول
مبیاعه بطرز روشن و واضحی تسلیم دولت ایران شده
باشد. اگر اینطور باشد کپائی برای چه قضیه حقوق

مأمور دولت ایران را هم میدهد. چرا يك جنسی را
که دولت ایران از يك کپائی دیگری میخرد پول آن را
هم متقبل میشود بدهد؟ بعد در عرض این مدت چه
چیز هائی باعث ضخامت دوسیه شده است؟ اگر دولت
ایران استمهال می کرده است دیگر اینقدر مبادله مراسله
لزومی نداشته است. این اگر يك طلب قطعی بود بر
فرض مدتی هم طول می کشید چه داعی داشت که این
کپائی از طلبش مقداری صرف نظر کند؟ اینها يك
چیز هائی است که کاملاً بنده را منززل میکنند و
نمیتوانم این مسئله را تشخیص بدهم که این يك دین
قطعی برای دولت ایران است و الا البته اگر این يك
دین قطعی باشد گمان نمیکم کسی فکر این را هم بکند
که دین را ندهد. و مخصوصاً يك فرمایشی آقای مخبر
فرمودند که بیشتر مخالفت بنده را تقویت کرد و آن این
بود که فرمودند بالاخره این خبر هم ریشه دعوا را از
بین نمیرد. این دیگر بیشتر من را مردد کرد. برای
اینکه دولت به چه مناسبت رسیدگی کامل نکرده و
قضیه را بطور قطع تمام نکرده و اسناد و مداركی اگر
کپائی دارد نگرفته و چرا از تمام جزئیاتش سؤال نکرده
است و اگر هنوز مردد هستند و میگویند که شاید
کپائی يك مدارك و اسنادی داشته باشد و بعد ارائه
بدهد پس این قضیه هنوز در حال تردید است و قطعی
نیست. این مسئله بیشتر مخالفت مرا تقویت کرد.
مسئله دیگر اینکه خوب گاهی من فکر می کنم در
يك ایامی ممکن است دولت ایران پول نداشته است ولی
چند سال است که دولت پول دارد یعنی در دوره
پنجم دولت ایران پول داشته است. در دوره چهارم
هم پول داشته است و اگر این طلب يك طلب روشنی
بوده است و دولت هم بدهی خودش را قطعی می دانسته است
دوسیه هم اینطور بوده است که يك طلبی است و باید
داد چطور در ظرف این دو دوره این طلب داده نشده
است؟ پس محظور اینکه دولت پول نداشت و دست بدست

می کرده و استمهال نمی کرده در این دو دوره بنظر من نمیآید پس این موقعیت دعوی بنظر من متزلزل است و یکی از علل مخالفت بنده همین است. و تنها این موقعیت متزلزل دعوی بنده را نباید بمخالفت وا دارد بلکه همه آقایان نمایندگان با این احتیاجات مبرم و مفروضی که مملکت بیک اموری دارد باید آنها را در نظر بگیرند و بنده تنها خصوصیتی ندارم و باید همه اینطور باشند... زوار - مجبور نیستند.

حق نویس - بنده خیال می کنم مجبور هستند. بالاخص در يك همچو موقعی که اقتضا دارد مجلس در قضایای مالی بیشتر دقت کند و خیلی زود رای ندهد و يك قدری بیشتر دقیق شود در يك مخارجی که هنوز دولت تدقیقات کاملی درش نکرده است و حقیقه مجلس اداء وظیفه را باید بطور روشن نشان داده باشد و بنده خیال می کنم متناسب با موقعیت مجلس شورای ملی هم نباشد که يك چنین دعوی بیست و دو ساله که هنوز يك صورت قطعی بخودش نگرفته در مجلس رأی داده شود. این بود عرایض بنده و علل مخالفت بنده.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - چند جلسه است راجع بموضوع کیان شنیدر کروزو مذاکره میشود. بنده خیال نداشتم مذاکراتی در این باب بکنم لکن فرمایشات بعضی از آقایان در این چند روزه بنده را وادار کرد که اطلاعات خودم را تا يك اندازه بعرض آقایان برسانم.

مقدمه يك جمله را میخواهم تذکر بدهم. چون در جلسات قبل این مسئله مکرر ذکر شد. هر وقت ما يك حرفی میخواهیم بزینم و مخالفت کنیم فوری شروع میکنیم از فقر و فاقه و فلاکت و بی چیزی و خیلی کلمات مبتذل را نسبت بمملکت شروع می کنیم و میگوئیم بنده عرض میکنم که خیر اینطور نیست و مملکت ما هم مشخص است و دارا است. پول هم دارد ولی پول فی جهة هم بکسی نمیدهند. کسی اگر حساب صحیح

دارد قبول می کنیم و میدهیم اگر حساب صحیح ندارد قبول نمی کنیم دیگر لازم نیست با عجز و لابه افلاس نامه صادر کنیم. خیر مفلس نیستیم پول هم داریم ولی اگر کسی ادعای واهی بکند قبول نمی کنیم و زیر بار نمیرویم مثلاً آقای فیروز آبادی می فرمودند که دولت فرانسه خودش هم بدهی دارد یعنی میفرمائید بدهی خودش را در مقابل طلب ما حساب کند؟...

(خنده نمایندگان)

فیروز آبادی - خیر در موقعش عرض میکنم فهیمی - باری يك قسمت آقای حق نویس فرمودند که این دعوی مورد ندارد برای این که چندین سال است گذشته و قانون مرور زمان او را از بین برده است در مطالبه کرده است بابت دولت استمهال نکرده است این طور نیست. اینجا دولت بایک کیانی معامله کرده است مبیع هم مسلم است و معین دوازده هزار قبضه تفنگ لبل و سه تیر و چند عراده توپ شنیدر است که تحویل هم داده اند همه کس هم میداند. قراردادی هم برای تأدیة وجه او کردند يك مقدارش را هم داده اند و قریب سه کرور تومانش هم باقی میماند کیانی هم متصل مطالبه میکرد است نهایت دولت وسائل تأدیة این قروض را نداشته و جواب هم داده اند که بتدریج خواهند داد بعد بواسطه نزل قیمت فرانک و تفاوت قیمت بین فرانک طلا و کاغذ حساب کرده اند آن سه کرور امروز به خمس میرسد پس هیچکدام از این فرمایشاتی که فرموده اند این جا مورد پیدا نمیکند و تطبیق نمیکند با اصل موضوع. در موقعی که این معامله میشد بنده خودم در فرنگستان بودم در سفر سوم مظفرالدین شاه بفرانک در ۱۹۰۵ صدر اعظم وقت هم شاهزاده عین الدوله بود که از هر کسی اگر سؤال کنید همه میگویند چطور او از اضافه خرج و مخارج زیادی جلوگیری میکرد. در آنوقت این معامله شد از آنوقت تا حال هم بنده اطلاع دارم چه آن مدتی که در وزارت خارجه بودم چه مدتی که در وزارت عمالیه بودم همیشه این مذاکرات بوده است

مذاکرات هم با دولت فرانسه نمی شده است چون طرف که دولت فرانسه نبوده طرف کیانی شنیدر فرانسوی بوده که بدولت ایران جنس فروخته است. البته اتباع هر دولتی هم وقتی در معاملاتشان با تجارشان اختلافاتی پیش بیاید رجوع میکنند بدولت متبوعه خودشان و آنها باید در صدد فراهم کردن موجبات استیفای حقوق اتباع خودشان بر آیند این است که آنها هم بدولت خودشان رجوع کردند دولت فرانسه هم بوزارت خارجه ایران نوشت و در مقام وصول این طلب برآمدند و گمان هم نمیکنم هیچ معامله صحیح تر از این معامله شده باشد. آقای آقا سید یعقوب در موقعی که مطالعه دوسیه این کار را تعهد کردند بیشتر در فکر این بودند (یعنی بنده همچو استنباط کردم) بلکه يك دلالتی کبریاورند و مخالفت کنند ..

آقا سید یعقوب - صحیح است.

فهیمی - بعد گفتند که هیچ جای مخالفت ندارد. ایشان در دوره چهار و پنج مخالف بودند ولی پس از مطالعه در دوسیه گفتند که دیدم اسناد صحیح دارد و مطالبات هم صحیح است. آقای شریعت زاده برروز میگفتند. نه. آقای احتشام زاده بودند. اظهار میکردند که میترسم این تکلیفات دیگری بگردن ما وارد آورد و يك مطالبات واهی دیگری را از ما مطالبه نمایند این چه حرفی است آقا. اگر يك همچو اصلی را بطور کلی بتوانید شما برقرار کنید که بنده هم موافق میوم که شما يك طلب معینی را و يك جنس معینی را از يك کسی بخريد و پولش را ندهید و بگوئید اگر مایول جنس نورا بدهیم ممکن است دیگران هم بخوانند يك مطالباتی از ما بکنند (خنده نمایندگان) اینطور نیست آقا. اگر کسی يك جنس معینی را بنا فروخته است و معین هم هست البته باید پول او را بدهیم و اگر کسی هم يك مطالباتی بکند که واهی باشد البته ما زیر بار نمی رویم. ما الان چند جلسه است که می خواهیم يك فورمولی

پیدا کنیم که بلکه طلب معینی را از کردن خودمان رها کنیم. آنوقت زیر بار طلب واهی میرویم؟! البته خیر. و بنده تصور میکنم که برای حفظ حیثیات دولت ایران در معاملات خارجی و داخلی ما باید همیشه مطالبات حقه خودمان را بگیریم و مطالبات حقه دیگران را هم بدهیم ولی از يك طرف هم اظهار فقر و فاقه کردن خیلی بی مورد و بداست یا اینکه بگوئیم موقعیت دعوی متزلزل است و مبیع معین نیست. این حرفها تصدیق بفرمائید اساس ندارد. تفنگ سه تیر الان در همه جا دست قشون است و آقای حق نویس میگویند که مبیع معین نیست دیگر مبیع از توپ و تفنگ بالاتر چه می خواهد باشد؟ قیمتش هم معین است. اما اینکه میفرمایند چرا کسر کرده است از طلب خودش و معلوم میشود يك چیز هائی در بین بوده است خیر اینطور نیست. حساب کنید به بینید از این طلب بعد از پرداخت هشت میلیون چیزی باقی میماند. فرانک در آن روز دو ریال بود و با قیمت امروزی فرانک که تقریباً صدی چهار تومان و يك قران است اگر حساب بکنید تقریباً همین میزان تفاوت حاصل میشود و حالا کیانی حاضر شده است که با همین قیمت با ما معامله کند ولی همانطوری هم که آقای مدرس فرمودند این قسمت را هم بنده تصدیق میکنم که باید بمدت قرار گذاشت و آزادی هم به کمیسیون بودجه وارد نیست که چرا مدت را کم قرار داده چون يك پیشنهادی با ارسال یعنی ده ماه قبل به کمیسیون بودجه شد و گفتند این را دو ساله بپردازند و تا کنون ده دوازده ماه طول کشیده حالا ممکن است امروز بگوئیم که ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ که قرار شده بود در ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ باشد و دوساله بدهند قیمت را هم مطابق نرخ امروز حساب کنیم چهار تومان و يك قران یا دو قران یا بنرخ روز حساب کنیم. اینها يك تفاوت هائی است که بواسطه تعویق پیش آمده است حالا هم ممکن است تاخیر مضر یا مفید باشد یعنی همانطوری که تعویق این امر از سه

کرور به سید و پنجاه هزار تومانش رساند ممکن است حالا تعویقش يك صرفه دیگر یا يك ضرری برای ما پیدا میکند ولی در اصل معامله بنده بعقیده خودم عرض میکنم بهتر این است که ما حیثیات و آبروی دولت را نگذاریم تفریط شود و يك معامله مسامحی را که دولت کرده است مطالباتش را بدهیم و آنقدر نگذاریم آبروی دولت تفریط شود و اینقدر هم مذاکره در اطراف این معامله نکنیم.

مخبر - در ضمن فرمایشات نماینده محترم آقای حق نویس يك جمله نسبت به بنده داده شد که بنده مجبورم تکذیب کنم: فرمودند که بنده عرض کرده ام. با تصویب این قانون ریشه این طلب قطع نمیشود در صورتیکه بنده همچو عرضی نکرده ام. ریشه این طلب بکلی مقطوع می شود (صحیح است) فقط ما دولت را مکلف کردیم که يك اسناد و نوشتجات و قبوضی که در دست کمیانی هست آنها را بگیرد بعد این طلب را بدهد.

وزیر مالیه - صحیح است.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده فوق العاده مفتخرم که دولت ایران در عصریکه دول فخیمه دنیا از تأدیبه حقوق ثابت خودشان ظفره و تعلق دارند ما در مقابل يك معامله واهی بیست و سه چهار ساله میخواهیم جواب مثبت بدهیم البته این برای ما افتخار است اعم از اینکه پول داشته باشیم یا نداشته باشیم. مسیو شنیدر اسنادی ارائه میدهد (خنده نمایندگان) که دولت ایران در بیست و دو سال قبل اموالی را بعنوان قرض از من گرفته است. مسلم است اسناد اشخاص در دست اشخاص است اسناد مردم در دست بانک است اسناد بانک در دست مردم است و راجع به سابق همیشه موجود است و آن اسناد هم محو نمیشود که در يك موقعی یکی از این اشخاص بدیگری مدیون و مقروض بوده است. حالا میخواهیم به بینیم آیا همین ارائه سند واجب میکند طرف مقابل را که

فوری در بیابورد و پول بدهد؟ فقط و فقط بدلیل اینکه سندی ارائه داد طرف باید بگوید بلی من مدیونم و میدهم؟ خیر باید بدقت رسیدگی کند و ببیند که سند تأدیبه آن وجه در دست کیست؟ کجا است؟ مسلم است یا نه؟ البته تمام مال التجاره هائی که ما از خارجه بازران میآوریم متناسب و مرتبط یکی از این کمپانی ها است البته آن روزی هم که آورده ایم با قبل از اینکه بیآوریم پولش را نداده ایم آیا بان دلیل ما مقروض بکارخانه هستیم؟ خیر ما مدیون نیستیم. البته آقایان خواهند گفت که خیلی خوب در مقابل آن سند سند خودتان را ارائه بدهید که پول را تأدیبه کرده اید. لکن همه آقایان میدانند که قضایائی که مربوط به قبل از مشروطیت است. مربوط به زمان هرج و مرج است. مربوط باوقاتی است که دفتری، حسانی، دوسیه، چیزی وجود نداشته است ارائه دادن اسناد متقابل برای ما کار آسانی نیست در يك مملکتی که در اثر انقلابات اشیاء نفیسه، کتب اسناد و غیره، (بلکه بالا تر عرض کنم) اسناد دولتی و رسمی ما با سرقت شده یا از بین رفته یا سوخته شده امروز از ما اسناد بیست و دو سال قبل را میخواهند. یعنی اسناد زمان هرج و مرج و بی انتظامی و بی ترتیبی را؟ یکی از جمله چیز هائی که دعوی طرف را تا اندازه ضعیف می کند مرور زمان است خوب البته جواب داده خواهد شد که تنها مرور زمان شاید مسقط دعوی نباشد...

مدرس - شاید ندارد. نیست.

کازرونی - قبول دارم که نیست. بنده هم تصدیق میکنم که تنها مرور زمان اسقاط دعوی را نمی کند ولی من حق دارم که سؤال کنم دولت فرانسه برای گرفتن طلب يك نفر از کمپانی های خودش با آن ارتباطی که با ما داشته است. با آن سوابق دوستانه که با ما داشته است با آن حوادثی که در ضمن این بیست و دو سال برای ایران اتفاق افتاده است که محتاج بجلب نظریات

آنها با حسن مساعدت آنها بوده است چه چیز باعث شده که طلب حقه خودش را نگرفته؟ یا اقلابك همچو سندی که الان مشکوک و مردد است تبدیل به يك سند مسجل روی که قابل تشکیك نباشد نکرده؟

این خودش انسان را بتوهم می اندازد بخیال می اندازد ما که می خواهیم در جواب اینگونه یا هرگونه دعاوی مال هر وقت که باشد جواب مثبت بدهیم البته در عین حال باید مجهز شویم که حقوق خودمان را هم از دست اشخاص استرداد کنیم. بنده در این موضوع بخصوص نمی خواهم وارد بعضی قضایا بشوم و بعضی حقایق را بگویم همینقدر میدانم که يك چیز هائی از مملکت ما برده میشود که حق ندارند. قبول داریم. دعوی آنها را هم روی سر میگذاریم برای اینکه گفته شود ما يك ملتی هستیم نجیب و خوش بده و مظلوم و حاضر هستیم در جواب ادعا از عهده برائیم ولی نباید در عین حال دیگر حاضر شویم که از جهت دیگر هم مظلوم واقع شویم. اقلأ استیفای حق خودمان را کرده باشیم....

آقا سید یعقوب - مال شوش را میگوئی؟

کازرونی - بعد طلب آنها را بدهیم. در هر صورت بنده آنچه که دقت کردم و آنچه که استنباط می کنم حقیقه توانستم خودم را قانع کنم که يك همچو ادعائی را تصدیق کنم. بنده قبول میکنم که اگر مدیون باشیم باید بدهیم لکن بنده در ضمن يك چیز هائی می بینم که بوی.....

شیروانی - فراق می آید.

(خنده نمایندگان)

کازرونی - یعنی از آن بو های غیر متناسب از آن شنیده میشود مثلاً میگویند در سندش نوشته است که فرانك طلا. بنده این ادعا را میکنم که در بیست و دو سال پیش که سهل است تا قبل از جنگ بین المللی هم اصلاً شاید نوشتن فرانك طلا یا یونان طلا غلط بوده است. هر وقت می نوشتند فرانك یعنی

فرانك طلا هر وقت می نوشتند یونان یعنی یونان طلا دیگر فرانك کاغذ یا فرانك طلا اصلاً معمول نبوده است. این کلمه نه در قبوض تجارتنی نه در اسناد بانک نه در اسناد دول وجود خارجی نداشته است فقط و فقط می نوشتند یونان یا فرانك. امروز فرق پیدا شده مابین یونان طلا و کاغذ یا فرانك طلا و کاغذ و نمیدانم آنوقت چطور این جا قبول کرده اند طلا بنویسند؟ در هر صورت از اینهم می گذرم ولی از چیز های دیگر همچو استنباط می کنم که این دوسیه آن دوسیه مرتب و منظمی که حقیقه بشود با قوت قلب حکم بهش کرد که ملت ایران بیستی این پول را تأدیبه کند نمی بینم. از این جهت البته از دادن رأی امساک دارم.

رئیس - آقای زوار

زوار - برای اینکه سوء تفاهم نشود این عرض را راجع بخوده میکنم و ابدأ بکسی مربوط نیست. البته موافقت با يك همچو لایحه که مجلس آمده است مخالف اصول و جاهت است ولی چون بنده از اول عمر بصراحت لهجه عقیده دارم لذا اهمیت نمی دهم. البته یگانه مرکز صلاحیت دار برای تعیین مقدرات مملکت مجلس شورای ملی است و جای تردیدی هم برای احدی نیست و تصمیمات مجلس شورای ملی هم لا یتغیر است. نماینده محترم در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که این لایحه آمده است بمجلس مال زمان استبداد بوده است و زمان هرج و مرج بوده است و نباید اهمیت و رسمیت داد باین طلب. موضوع دونا است: یکی این است که باید مسئله که در مجلس شورای ملی مطرح میشود يك قانونی از مجلس شورای ملی گذشته باشد که قبل از مشروطیت هر کس طلبی دارد نباید داد. يك همچو قانونی که از مجلس شورای ملی نگذشته است و اگر هم نخواهیم مسائل قبل از مشروطیت را تکذیب کنیم آنوقت مصادف با يك محظورات فوق العاده خواهیم شد از قضای اتفاقیه این یکی از معادلات قبل از مشروطیت

به نفع ملت ایران تمام شده است. فرمودند ادای دین می کنیم و بادای دین افتخار میکنیم.

بنده ادای دین را افتخار نمیدانم ایفای وظیفه میکنیم کسی که ادای دین میکند افتخار نباید بکند ایفای وظیفه است. ما هم بنام ادای وظیفه يك دینی را ادا می کنیم فرمودند ارائه سند. تقریباً چهار پنج من وزن این دوسیه است که بالاخره برگزیدگان مجلس شورای ملی که عبارت از هیئت دولت و اعضاء کمیسیون بودند آن را در ظرف چندین روز با دقت مطالعات عمیق کرده اند و خلاصه آن را آورده اند بمجلس شورای ملی فرمودند که چرا در این مدت دولت فرانسه یا کمپانی شنیدر طلب خودش را نگرفته. خوب این بخیر ما نیست او نخواسته است حالا آمده است و میگوید مطابق این اسناد من طلب دارم باید بدهید. وزارت جنگ ما هم حقانیت او را تصدیق کرده که این اسلحه که امروز هست و از موقعیت او داریم استفاده می کنیم در دست ما هست و این طلب حقیقه بقدری ثابت است که بنده تصور میکنم وقت مجلس را برای این موافقت و مخالفت صرف کردن و تلف کردن جز اینکه يك اشکالاتی را برای دولت درآیید درست میکند نتیجه دیگری ندارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظر باینکه این يك حسابی است که بجز چند نفر از آقایان و کلا برای دیگران هیچ معلوم نشده است که مینا و اساس آن چه بوده است. میگویند يك مقداری از این طلب باقی مانده فرعی را هم برویش کشیده اند و اینقدر شده است فرعی را هم نمی دانم مناطی چند یا فرانکی چند کشیده اند در سال برویش از آن طرف هم تقاضا میکنم که دوسیه آن را طبع کنند و بدهند آقایان و کلا يك قدری درش دقت نظر کنند که در جواب میگویند پنجاه هزار تومان خرجش میشود با سه من و پنج من و وزانش است در

صورتیکه هیچ اینطور ها نیست در هر صورت با ملاحظه حال خودتان یا ملاحظه حال آتھائی که شمارا فرستاده اند اینجا بکنید و چون این عملیات را برخلاف میدانم بنده باین جهت تصدیق این کار را نمی کنم علاوه بر این آقای فهیمی میفرمایند که فیروز آبادی میگوید چون فرانسه ها با آمریکا بدهکارند اینرا هم جزو آن باید حساب کنیم. بنده همچو حرفی را نزده ام. بنده کفتم چون آنها بدیگران بدهکارند فرضاً هم که معلوم شد ایشان اینقدر از ما طلبکار هستند هر قسم که دیگران با آنها رفتار می کنند آنها هم با ما رفتار کنند. آقای زوار هم می فرمایند این حرف ها برای تحصیل و جاهت است. خیر. برای ادای وظیفه است. ما وکیلیم و باید وظایف خودمان را انجام بدهیم این ادای تکلیف است. ما وکیل هستیم و باید بصرقه موکلین خودمان رفتار کنیم.

زوار - همه اینطورند.

فیروز آبادی - ثانیاً ما امیدواریم که بلکه بتوانیم کاری بکنیم که پیش مردم وجیه بشویم و کاری بکنیم که به بغض و انتقاد آنها گرفتار شویم. امیدوارم که ما موفق باین کارها بشویم و در آتیه باین نحسی ها گرفتار نشویم. همه روزه خرج! خرج! خرج!

وزیر مالیه - بنده در ضمن عرایضی که چند روز قبل برای تقاضای در دستور بودن این لایحه عرض کردم يك اشاره بطور اجمال از نقطه نظر دولت از تکلیف تصویب این لایحه بمجلس شورای ملی بعرض آقایان رساندم حالا می خواهم قبل از اینکه این فرمایشاتی که این جا شده است بعضی هایش را جواب عرض کنم این نکته را عرض کنم که آقای فیروز آبادی با آقایان دیگری که نظر مخالفی دارند درست وضعیت را از نقطه نظر دولت و اظهارات دولت در مجلس تشخیص بدهند. هر مأموری برای ادای وظیفه خودش در اجرای آن تکلیفی که برای او معین شده يك مسؤلیت ها و يك تعهداتی برای خودش

تشخیص داده است و هر وقتی که مراجعه می کند بان قسمتی (هر کس می خواهد باشد یا فرد یا اجماع) بان قسمتی که مافوق او است و نظری که حاکم بر آن نظر او است همیشه برای این است که نظر خودش را گفته و تکلیف خودش را ادا کرده باشد و دعوت کرده باشد طرف را برای اینکه وظیفه که تشخیص میدهد او هم تشخیص بدهد پس حقیقه مسؤلیت ها همه باید معین باشد و هر کسی هم مسؤلیت خودش را خودش باید عهده دار باشد.

يك حسابی، يك بدهی، دولت در مقابل يك کمپانی خارجی که از اسلحه خریده اند دارد ومدتی بوده است که معوق مانده و مکرر دولتها پیشنهاد کرده اند و بمجلس آورده اند در کمیسیون بودجه و مجلس پنجم هم تصویب شده است و موقع ختم مجلس بود فرصت مذاکره در آن و بحث در خود مجلس نرسید حالا مجدداً در کمیسیون بودجه تصویب شده و آمده است بمجلس و راپرت آن مطرح است. دولت بدلائلی که چه آقایان آن را ذکر کردند و چه دولت آن را بعرض آقایان برساند وظیفه خودش میدانند چه از نقطه نظر مصلحت مملکت و چه از نقطه نظر حیثیات دولت که وقتی شناخت و تصدیق کرد يك بدهی و يك قرضی دارد نباید تعالی در پرداخت آن بکنند و چون دولت این بده را تصدیق کرده دواثر مالیه و محاسبات وزارت مالیه آن را تصدیق کرده اند بعد از رسیدگی کامل و تدقیق کامل به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده و کمیسیون بودجه هم آنرا تصویب کرده است دیگر اینطور نیست که آقای کازرونی میفرمایند که يك سندی آنجا بوده است و بمجرد بودن يك سند ما را بپرداخت يك وجهی ملزم نمیکند. خیر اینطور نیست. مجرد بودن يك سند در نزدیک طرف هیچوقت کسی را ملزم بپرداخت وجهی نمیکند ولی وقتی که رسیدگی شد و معلوم شد در مقابل آن سند اسناد دیگری که دال بر نادیه وجه باشد نیست و معلوم شد که پرداختی در مقابل آن سند اولیه نشده آنوقت آدم ملزم میشود این دین مسلم را بدهد

این مسئله هم تمام این مراحل را پیموده است. وقتی که دولتهای متعددی که روی کار آمده اند و وزارت مالیه هم تشخیص داده و تصدیق کرده است آنوقت البته باید دولت آن را نادیه کند و تأیید کند نادیه آن را و قضیه اینطور تشخیص داده شده که صلاح دولت و مملکت در این است که خودش را معتبر و قرص در امضاء و صحیح العمل بدنیسا و جامعاً معرفی کند. این است که این امر را آوردند این جا و در مجلس هم مقدمات خود را در کمیسیون بودجه مطابق معمول همیشه پیموده است و رسیدگی و تحقیق شده ومدتی در آن جا طول کشیده و يك قسمتی هم از آقایان آمده اند و دوسیه را در آنجا که همیشه حاضر بوده است دیده اند و مراجعه کرده اند بعد خبرش را تقدیم مجلس کردند و حالا آمده است بمجلس حالا آقای فیروز آبادی میفرمایند که این دوسیه را طبع و منتشر کنند. بنده نمی فهمم این از روی چه اصلی است و چه سابقه ایست و کی يك چنین چیزی معمول بوده است. حقیقه اگر در يك چیزی مجلس این را هم صلاح بداند اینکار را هم بکند باید بکند. کی استنکاف کرده است؟ بنده این جا باین کله شدیداً پروتست میکنم برای اینکه شاید دولت همه وقت يك چیزی را که حس می کرده

عمادی - حق پروتست ندارید

آقاسید یعقوب - توهین می کنید. حق پروتست کی بشما داده؟
(صدای زنگ رئیس)

وزیر مالیه - که لازم بوده است مطالعه کاملی در اطراف آن از طرف نمایندگان محترم شود همیشه دوسیه و سوابق آن امر را برعکس نظریه آقای فیروز آبادی که می فرمایند ما ندیدیم در معرض مطالعه نمایندگان محترم گذاشته است. این مطلب چند مرتبه در مجلس مذاکره شد که خارج از دستور شود که میخواهیم مطالعه کنیم. دوسیه را بیاورید. ما هم قبول کردیم

از دستور هم خارج شد. دوسیه را آوردند بمجلس بنده مخصوصاً یکی از اعضاء وزارت مالیه را با دوسیه فرستادم این جا. دوسه روز این جا بود. آقایان نمایندگان محترم دیدند. پس ما آقای کی استنکاف کرده ایم؟ ما که هیچوقت استنکاف نکرده ایم حالا هم اگر حقیقه مجلس و نمایندگان محترم يك وقت صلاح بدانند البته ممکن است این دوسیه تمام اوراقش چاپ شود بنده شنیدم که یکی از آقایان اینجا میگفت که باید يك کمیسیون مخصوصی برای این کار درست شود. هیچوقت رأی نبوده است که مجلس بدهد و ما استنکاف کنیم فقط مطابق وضعیاتی که معمول به بوده است رفتار کردیم يك اشاره آقای کازرونی فرمودند به يك مسئله که آن مطلب خیلی مهم است البته بنده تصدیق میکنم که دولت همیشه باید سعی کند که منافع کلی و عمومی و هر قسم منفعت دولت را حفظ کند اشاره ایشان بطور ابهام بود و راجع به يك مسائل دیگر، بنده هم چون ایشان بطور مبهم بیان فرمودند بطور مبهم عرض میکنم که آن مسئله را که ایشان منظور داشتند و بنده هم تصدیق میکنم که يك مطلب مهمی است و همیشه يك خاری بین راه روابط خوب دولت ایران و دولت فرانسه بوده است حل شده است

عمادی - (خطاب به رئیس) ایشان حق ندارند پروتست کنند تهدید کنند.

زوار - پروتست بمعنی اعتراض است نه تهدید.

عمادی - اعتراض شدید است

(صدای زنك رئیس. دعوت به سکوت)

رئیس - آقای دکتر مصدق پیشنهاد کرده اند لایحه

از دستور خارج شود. رأی میگیریم

دکتر مصدق - توضیح دارم.

رئیس - بفرمائید

دکتر مصدق - بنده چند شب قبل خدمت آقای

رئیس الوزراء رسیدم فرمودند در مجلس چه میکنید. عرض کردم گرفتار لواجی هستیم که دولت آورده است حالا آقای وزیر مالیه فرمودند که دولت يك لواجی را که صلاح مملکت دید پیشنهاد میکنند و مجلس هم باید جدیت و رسیدگی بکند و خیلی هم بتأخیر نیندازد و زودتر بگذراند. بنده تصور میکنم لواجی که در صلاح مملکت پیشنهاد میشود بایستی يك قدری بیشتر درش دقت کرد. این عقیده من است. در مثل مناقشه نیست این را عرض میکنم که هیئت دولت نمی تواند بگوید من مکلف هستم که يك لواجی را که از يك وزیر نمانده میباید فوراً زیر آن را امضا کنم و برای تصویب بمجلس بفرستم، مجلس خواه آنرا قبول کند و خواه رد، این تکلیف دولت نیست، دولت مکلف است در درجه اول مثل يك محکمه ابتدائی در مسائل دقت و نظارت و مراقبت کند و يك چیزی را که به مجلس میفرستد کاملاً از روی عقیده بفرستد نه اینکه بگوید من محکمه نیستم قضاوتی ندارم و هر چیزی را که از هر اداره میآورند به من می دهند تکلیف من این است که يك امضای قشنگ خوانائی بکنم و بفرستم بمجلس اگر نمایندگان ملت رأی دادند بسیار خوب آنها مسؤولند و اگر هم رای ندادند کسی از من گله مند نیست. بنده با این اصل کاملاً مخالفم و عقیده دارم که دولتهای ما باید صراحت عقیده داشته باشند و محافظه کاری نکنند و در صلاح مملکت هر عیبی را که میدانند اظهار نمایند و نگذارند که ما در مجلس با یکدیگر بچنگیم و خصامه کنیم و کارها را به تأخیر بیندازیم، علت تأخیر کار در مجلس میدانید چیست؟ برای این است که شما رسیدگی نمیکنید، برای این است که شما چیزی را که به مجلس می آورید از روی عقیده نان نیست، و از روی عقیده نان امضاء نمیکنید....

(صدای زنك رئیس)

رئیس - آقای دکتر مصدق توهین نکنید گمان نمیکنم

این حرفها پسندیده باشد. این حرفها پسندیده باشد. دکتر مصدق - خیلی خوب اینطور دیگر نمیگویم. رئیس - آقا این طور نمیشود.

دکتر مصدق - چشم اطاعت میکنم. باید دولت دقت کند و يك چیزی را که به مجلس می آورد تحقیقات کند که ما دیگر تردیدی نداشته باشیم و از روی يك اعتماد کاملی لایحه را تصویب کنیم.

یکوقتی بنده وارد بوشهر شدم در کار گذاری منزل داشتم کار گزار بمن گفت من میخواهم شما را گردش ببرم، بنده را میدان توپ خانه برد، دیدم در آنجا يك توپ افتاده است خیلی خراب و ضایع و زنك زده. گفت این توپ توپ شنیدر است از آن توپهایی است که دولت خریده. گفتم چرا اینجا افتاده و خراب است؟ گفت بلی این توپ را از يك راهی آوردند به بوشهر و در حقیقت وقتی بنده آن میدان توپخانه را دیدم گریه ام گرفت، چه میدان توپخانه!! بهلوی آن توپ يك بچه کرده بود و خاک ریخته بود و در حقیقت باید امروز از وزارت جنگ خودمان قدردانی کنیم که اینها را برطرف کرد و واقعاً باید وزارت جنگ را تقدیر کرد که ما را در انظار خارجی آبرومند کرد....

یکنفر از نمایندگان - از مؤسس آن باید تقدیر کرد

دکتر مصدق - بلی الفضل للمقدم. البته تقدیر راجع

به مؤسس آن است. بعد از آنکه بنده آن توپ را دیدم آدمم منزل دیدم يك سینی آنجا گذاشته اند دارای دو پشقاب یکی تخم مرغ تویش است یکی خرما و يك ساعت مستعمل هم بهلویش است گفتم این چیست؟ تعجب کردم، گفتند این یکی تخم مرغ است و دیگری خرما و این ساعت است که یکی از اهل شهر فرستاده است و این تخم مرغ و خرما را حق الزحمه داده که آقا زاده های شما که همراه شما هستند و از اروپا آمده اند این ساعت را درست کنند. يك قدری هم بچه ها از تخم مرغ ها خورده بودند. بنده متعجب شدم که اینها

متخصص نیستند. ساعات ساز نیستند مگر هر کسی که از اروپا برکشت در هر کار متخصص است، البته هر کسی که به اروپا رفته در يك چیزی کار کرده است و متخصص است ساعت ساز که نیست، بعد بنده يك قدری تخم مرغ خریده و ظرف او را درست کردم و فرستادم و خیلی معذرت خواستم که بنده زاده ها متخصص ساعت سازی نیستند، يك تحصیلاتی کرده اند آنها البته خیلی ناقص است و تخصص ساعت سازی ندارند. حالا اگر بنده اینجا يك قدری مخالفت میکنم تصور فرمائید حقیقه با اعضاء محترم کمیسیون بودجه مخالفتی داشته باشم آنها يك چیز هائی است که نمیدانند، اگر بنده به آقای آقا سید یعقوب عرض کنم که فقه نمیدانند حقیقه توهین است، اگر بگویم اصول نمیدانند توهین کرده ام ولی اگر بگویم آقای آقا سید یعقوب از این مطالب اطلاع ندارند و دوسیه را کاملاً مطالعه نکرده اند توهینی نکرده ام باید اطلاعات خودم را عرض کنم و خاطر محترمشان را مسبوق کنم آنوقت ایشان قانع شوند. خدا نکند آقا که يك ملتی بی پول باشد....

رئیس - این اظهارات يك قدری خارج از موضوع است.

زوار - ماده ۶۳ را رعایت نمیکنند

دکتر مصدق - ماده ۶۳ را رعایت میکنم میخواهم توضیح بدهم.

رئیس - پیشنهاد راجع بخروج از دستور است.

اگر شما می خواهید در اصل مطلب حرف بزنید نمی شود.

دکتر مصدق - بنده باید اطلاعات خودم را عرض کنم.

رئیس - با این پیشنهاد میخواهید قبل از دیگران حرف بزنید.

دکتر مصدق - من وکیل هستم باید عقیده خودم

را اظهار کنم . نمیگذارید من حرف بزنم و عقاید خودم را اظهار کنم

(صدای زنک رئیس)

(آقای دکتر مصدق از محل نطق باین آمده و بطرف درب خروج حرکت نمودند)

رئیس - اولاً بشما اخطار میکنم .

(آقای دکتر مصدق خارج شدند)

رئیس - آقای دکتر مصدق با آن زرنگی که دارند میخواهند قبل از دیگران حرف بزنند و همچو وا نمود میکنند که نمیگذارند ایشان حرف بزنند .

رئیس الوزراء - آقایان نمایندگان غالباً رویه بنده را ملاحظه فرموده اند که حتی الامکان امتناع دارم از اینکه موجب زحمت مجلس بشوم و وقت مجلس را با اظهارات خودم اشغال کنم مگر اینکه حس بکنم یک چیزهایی در مصالح مملکت است آن وقت چند دقیقه مزاحم آقایان میشوم . امروز بنده شرفیاب شدم که یک چند کلمه راجع بموضوع محاسبه کمیاتی شنیدم عرض کنم و خاطر آقایان را متوجه کنم . آقای مصدق السلطنه یک فرمایشاتی فرمودند که یک جوابهایی لازم است داده شود چون حضور ندارند عرض نمیکنم و میگذارم برای وقتی که خودشان حضور داشته باشند زیرا مفهوم فرمایشاتشان این بود که دولت یک لواجی به مجلس شورای ملی می فرستد که صحیح نیست و یک شوخی که بریشب باینده کرده بودند آن شوخی را امروز در مجلس بطور جدی پشت تریبون میفرمایند . آن را بنده حالا نمیخواهم در حرف بزنم میگذارم در یک موقعی که خودشان هم تشریف داشته باشند . در موضوع شنیدم عرض میکنم که این یک قضیه است که بیست و شش سال از آن میگذرد و توپها و تفنگهایی که از این کمیاتی خریده شده است در وزارت جنگ ما موجود است و شاید امروز هم بهترین

که دارم برای حفظ اعتبارات مملکت از آقایان تقاضا میکنم و نمنا میکنم که بیش از این در این موضوع اشکال نفرمایند و این لایحه را از مجلس بگذرانند . زیرا که بنده میدانم ، بنده در کارم می بینم ، متصل در مذاکره با خارجها هستم . بیش از این طول کشیدن یک چنین طلب مسلمی که بیست و هفت سال از روی آن گذشته است در مقابل فروش یک اسلحه که امروز هم آن اسلحه را استعمال میکنیم برای اعتبارات مملکت صلاحیت ندارد . البته آقایان از نقطه نظر نمایندگی حق دارند و وظیفه آقایان است که یک قران هم صرفه مملکت را منظور بدارند و این مسئله موجب خرابی نحسین و تقدیس است که آقایان نمایندکان اینطور دقیق در صرفه جوئی مملکت باشند ، اما خاطر آقایان را به این نکته متوجه میکنم که ملاحظه بفرمایند یک موقعی هست که زیاد دقت در صرفه جوئی کردن برعکس به ضرر تمام میشود ، یعنی بکمبودی را از دست میدهد و بعقیده بنده این مورد بخصوص یکی از آن موارد است که زیاد در آن صرفه جوئی کردن از یک نقطه نظر یعنی اگر اینطور بنظر بیاید یک مبلغی ده هزار تومان ، پنج هزار تومان ، پانزده هزار تومان ، صرفه جوئی میشود بعقیده بنده شاید از طرف دیگر میلیونها از اعتبار مملکت بکاهد لهذا نمنا میکنم آقایان آن صرفه جوئی را در نظر بگیرند و بیش از این نمیخواهم مزاحمت کنم .

رئیس - برای اینکه مطلب مبهم نماند و سوء تفاهم نشود باید به آقایان تذکر بدهم که آقای دکتر مصدق اینجا به بنده گفتند میخواهند در اصل موضوع صحبت کنند و ایشان که دو دوره است در مجلس تشریف دارند و به مواد نظامنامه بخون آشنا هستند میدانند که دیگران که اسمشان را ثبت کرده اند و قبل از ایشان اجازه خواسته اند مقدم بر ایشان هستند فقط اظهاراتی که میتوانستند بکنند راجع به خروج از دستور بود ولی بعنوان خروج از دستور میخواستند داخل در اصل مطلب بشوند این بود که بنده ممانعت کردم گفتند که نمیگذارند من مطالبم را بگویم

رئیس - برای اینکه مطلب مبهم نماند و سوء تفاهم نشود باید به آقایان تذکر بدهم که آقای دکتر مصدق اینجا به بنده گفتند میخواهند در اصل موضوع صحبت کنند و ایشان که دو دوره است در مجلس تشریف دارند و به مواد نظامنامه بخون آشنا هستند میدانند که دیگران که اسمشان را ثبت کرده اند و قبل از ایشان اجازه خواسته اند مقدم بر ایشان هستند فقط اظهاراتی که میتوانستند بکنند راجع به خروج از دستور بود ولی بعنوان خروج از دستور میخواستند داخل در اصل مطلب بشوند این بود که بنده ممانعت کردم گفتند که نمیگذارند من مطالبم را بگویم

و در ضمن خواستند فهمانند باشند که یک مطالبی دارند ولی بنده جلوگیری میکنم : حالا اگر یک مطالبی دارند بهتر این است که یکی از آقایان با ایشان موافقت کنند و نوبت خودشان را به ایشان بدهند و ایشان تشریف بیآورند اینجا اگر مطالب مهمی دارند که ما نمیدانیم بگویند تا اینکه اشکال برطرف شود بعضی از نمایندگان صحیح است .

دکتر مصدق - بنده توضیحی دارم .

رئیس - راجع بخروج از دستور ؟

دکتر مصدق - راجع بماده ۱۰۹

رئیس - بفرمائید .

دکتر مصدق - بنده را فرمودند که دو دوره است در مجلس نمایندگی دارم و از نظامنامه اطلاع دارم . اگر یک پیشنهادی راجع بخروج از دستور باشد پیشنهاد کننده برای اینکه این پیشنهاد مربوط بماده ۶۳ نیست میتواند در موضوع صحبت کند .

رئیس - همین ایرادی که فرمودید معلوم میشود

نه از ماده ۱۰۹ و نه از آن یکی اطلاع دارید . بنده عرض نکردم که ماده ۶۳ شامل این مطلب میشود ، عرض کردم راجع بخروج از دستور یک مطلبی پیشنهاد میکنید باید راجع به همان مطلب حرف بزنید و شما میفرمودید من میخواهم در اصل موضوع حرف بزنم بنده هم تکلیفم این بود که جلوگیری کنم حالا هم آقای حاج میرزا مرتضی که مخالف هستند بنده نمنا میکنم که نوبت خودشان را بایشان بدهند

حاج میرزا مرتضی - بنده نوبت خودم را به ایشان تقدیم میکنم

باسائی - بنده اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - بفرمائید

باسائی - باید آقایان دقت بفرمایند که نظامنامه در مجلس شورای ملی رعایت بشود خواهش میکنم که تبعیض قائل نشوند آقای دکتر مصدق یک پیشنهادی کردند

راجع بخروج این رابرت از دستور، توضیحاتی هم دادند باید رأی گرفته شود بعد اگر یکی از موافقین یا مخالفین خواستند اجازه شان را بدیگری بدهند اشکالی ندارد.

رئیس -- بسیار صحیح است

دکتر مصدق -- بنده پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس -- حالا در اصل موضوع فرمایشی دارید، بفرمائید.

دکتر مصدق -- بنده قبلاً خاطر آقایان محترم را مسبوق می‌کنم که اگر يك چیزی بنظرم بیاید و عقیده ام باشد از هیچ چیز باک ندارم، اگر بمن اظهار شود برای من تنگ نیست، اگر بمن توهین زده شود برای من تنگ نیست زیرا وقتی که من صلاح مملکت را میدانم میگویم و از هیچ چیز هم باک ندارم. اما راجع به این مسئله: عرض کردم بدا به حال ملتی که پول نداشته باشد. وقتی که پول نداشت مجبور میشود قرض کند، وقتی هم که قرض کرد مجبور میشود هر شرطی را باو بگویند قبول کند حتی اینکه اگر بخواهد از يك دولت دیگری قرض کند و قرض خودش را بپردازد میگویند حق نداری از دولت دیگر قرض کنی و چون با ما طرف رجوع هستید باید به ما مراجعه کنید و از ما قرض کنید.

آنچه که بنده اطلاع دارم این است که دولت ایران يك قرضی به دولت روسیه داشت، آنوقت هم تنها دولتی که در ایران قادر بود دولت روسیه بود و يك اعمال استعماری میکرد، دولت روسیه که به ایران يك مبلغی قرض داده بود راضی نمیشد که دولت ایران برود و از دولت دیگری قرض کند. بعد از اینکه مرحوم مظفرالدین شاه رفت به فرنگستان برای مرحوم مظفرالدین شاه پولی لازم شد، دید اگر به دولت دیگری غیر از روسیه مراجعه کند نمیتواند قرض کند و از دولت روسیه هم شاید نمیتواند قرض کند (آنچه که بنده اطلاع دارم) گفتند برای این مسئله يك راه حلی

پیدا میکنیم میرویم يك اسلحه میخریم و يك قرضی هم میکنیم. البته معلوم است وقتی يك کسی میخواهد يك مال دزدی را بفروشد چون دزدی است و میخواهد محرمانه بفروشد هزار تومان را به بائع تومان، به سیصد تومان میفروشد. چون محرمانه است و مال دزدی است. يك دولتی هم که نمی‌توانست قرض علی بکند و در واقع يك شرائط خیلی صحیحی برای خودش قرار بدهد و مجبور هم هست پولی داشته باشد که در اروپا خرج کند همین حال را دارد. اینها آمدند در آنجا يك کلاهی سر مسئله گذاشتند گفتند يك اسلحه از کروزو بخریم يك مبلغی هم قرض بدهد، يك اسلحه از کروزو خریدند. این جا خیلی مطلب معلوم است وقتی که کروزو بنا است به يك دولتی که میخواهد قرض کند اسلحه بفروشد يك اسلحه خوبی میفروشد این مسلم است ولی بنده حالا به این کار کاری ندارم اصل مسئله این پول این است که همه این پول برای اسلحه نیست که در حقیقت کروزو اسلحه داده باشد یعنی دوازده هزار تفنگ و يك مقداری فشنگ و توپ داده باشد و حالا پول آنرا بخواهد. خیر اینطور نیست همین لایحه هم که این جا نوشته اند خیلی خوب مطلب را میسراند مینویسد: ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که پس از اخذ قرار داد محضی دولت وقت مورخه اول اوت ۱۹۰۵ از بابت خرید اسلحه و اسناد خزانه که در آن تاریخ از بابت قیمت این اسلحه‌ها صادر شده بشرحیکه در موارد قرارداد در کمیسیون بودجه ملاحظه شده و دریافت اسناد تجویبی تمام اسلحه به دولت ایران از کیانی شنیدر کروزو و رسید وصول تمام طلب مبلغ هشت میلیون فرانک کاغذ بقیه مطالبات کیانی شنیدر کروزو فرانسوی را از بابت بودجه ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ بدو قسط یکی چهار میلیون و هفتصد و پنجاه هزار فرانک و دیگری سه میلیون و دویست و پنجاه هزار فرانک و از قرار هر صد فرانک چهار تومان و

چهار قران بپردازد. معنی اسناد خزانه این جا چیست؟ اگر دولت اسلحه خریده بود اسناد خزانه یعنی چه؟! وزیر مالیه - این طور نیست حالا توضیح عرض می‌کنم.

دکتر مصدق - خیلی خوب ولی بنده از این ماده این طور می‌فهمم که از بابت خرید اسلحه و اسناد خزانه حتی اینجا مذاکره شد که دولت يك اسلحه از کارخانهای دیگری خریده و پول آنرا کروزو داده است، بنده هیچ نفهمیدم کروزو بانک بوده است؟ پول قرض دهنده بوده است؟! هیچ مناسبت نداشته است که دولت ایران از جای دیگر اسلحه بخرد و کروزو پول بدهد خیر اینها نیست این است که عرض میکنم که دولت آنوقت بکمقداری اسلحه خریده و يك مقداری هم پول گرفته است برای خرج سفر فرنگستان. حالا چه مبلغ پول بوده و چه مقدار اسلحه بوده است بطور تحقیق نمیدانم و حسابش هم در دفاتر مالیه نیامده است زیرا آن سال سال ۱۳۲۳ میلان ۱۳۲۳ بوده است و حسابش مربوط به کمرک است که مسیوتر متصدی بوده است. اصلاً خرج مسافرت فرنگستان مرحوم مظفرالدین شاه را برای این که حسابش درست معین و روشن نشود آوردند جزء حساب مسیوتر گذاردند و از او وقتی حساب خواستند حساب نداد. در هر حال آن حساب در دفاتر کمرکی هست الان هم اگر بخواهند نمکن است. حساب زمان نوز را بخواهند و معلوم کنند که در آن موقع چه قدر پول و چه قدر اسلحه رسیده است بنده حالا به این مسئله که اسلحه خوب یا بد بوده کاری ندارم برای اینکه عقیده ام این است که اسلحه اش هم خوب نبوده، وقتی من آن توپ را دیدم گفتم چرا این توپ این جا است گفتند توپ این جا است و کولیس آن در بندر اتلی است گفتم این چه فایده دارد در هر حال آن توپ همانجا ماند و خراب شد حالا کار ندارم بنده عقیده ام این بود که اگر وزارت مالیه میخواهد يك صورت حسابی بفرستد حق این بود که

يك صورت حساب صحیحی بفرستد و معین کند خرید چه قدر بوده و چه قدر پول قرض داده اند و این پول در حساب مظفرالدین شاه مطابق دفاتر کمرک به دولت ایران رسیده است یا نه. حالا اگر مظفرالدین شاه يك آدم مسرفی بود کاری نداریم لافل يك ترتیبی نشود که به حساب او رسیدگی شود که اگر او این پول را نگرفته باشد دولت ایران خودش را مقروض نداند اگر آقایان بخواهند حساب درست معلوم شود حساب ۱۳۲۳ میلان نیز را از کمرک بخواهند حساب فرنگستان مرحوم مظفرالدین شاه در آنجا هست رسیدگی کنند که چه قدر پول گرفته شده و چه قدر اسلحه خریده شده است اینها را که معین فرمودند معین می‌شود که دولت چه قدر مقروض است نه اینکه يك چیزی را پیشنهاد کنند که مجلس هم چیزی نفهمد و دولت هم از حسابش اطلاع نداشته باشد. بنده هم کاملاً معتقدم که دولت باید قرضش را بدهد و یقین هم دارم که کروزو يك مبلغی طلبکار است اما چه قدر طلبکار است، چه قدر اسلحه داده است، آن اسلحه وارد ایران شده است، آن پول کروزو که الان حسابش در اداره کمرک است به حساب مرحوم مظفرالدین شاه جمع شده با نشده بنده زدید دارم و عقیده ام این است که این کار تاخیر بینند آقای وزیر مالیه تحقیقات بفرمایند، حساب مسافرت مظفرالدین شاه را بدست بیاورند بعد این پول داده شود. بنده مخالف هستم که زمامداران وقت بروند پولهای دیگرند به خرج دولت بگذارند بعد بنده به دست مالی، به حسب المقاطعه، که فرانک طلا دوریل بوده صد هزار فرانک بوده، پنجاه هزار فرانک دادیم، اگر این را تصویب نکنید فردا باید دو میلیون بدهید کور کورانه و دست پاچه گی بقول آقای کازرونی «سربسته و در بسته و ندانسته و نفهمیده» بیایید يك پولی را تصویب کنید صحیح نیست. بعقیده بنده حضرت‌توالا اگر میخواهند در صلاح مملکت کار کنند بفرمایند این لایحه از دستور

خارج شود بعد تشریف ببرند در وزارت مالیه و صورت حساب مظفر الدین شاه را بخواهند و معین بفرمایند که چقدر پول داده شده و بحساب مظفر الدین شاه آمده بعد صورت آنرا بفرستند بمجلس و آقایان نمایندگان هم که همه نمایندگان ملت هستند و همه میخواهند با کمال شرافتمندی از مجلس خارج شده باشند رأی صحیح و از روی وجدانشان رأی بدهند. این بود عقیده بنده

عده از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - البته آقای مصدق السلطنه نماینده محترم وفقی متأثر نباشند فرمایشاتی که میکنند عموماً منطقی و صحیح است و انسان لذت میبرد از گوش دادنش و خودش را مجبور میبیند که بیاید اینجا و از ایشان رفع اشتباه کند. اما امان از آنوقتی که بکفداری عصبانی باشند که آنوقت حسابش با کرام الکاتبین است. حتی نسبت میدهند که لواط را دولت برخلاف عقیده امضاء میکند. این را که بنده نمیدانم به چه عبارتی میشود تعبیرش کرد؟ ولی چون میدانم ایشان حسن نیت دارند و هیچوقت سوء نیتی نه نسبت به امور و نه نسبت به اشخاص به هیچکدام ندارند نمیخواهم در این باب بیش از این عرض کرده باشم. اما راجع به حساب مطالبات. اولاً اینکه مثبت شدند به ماده کمیسیون بودجه و اشاره که قبض خزانه است و خواستند از این ماده که اشاره بقبض خزانه شده و از این اظهار کمیسیون بودجه اینطور نتیجه بگیرند که علاوه بر خرید اسلحه يك قرضی هم شده است و آنرا در کمیسیون بودجه در دوسیه دیده اند و اشاره قبوض خزانه به آن قرض است. حالا بنده عرض میکنم هیچ اینطور نیست چرا اینطور نیست؟ و چرا این لفظ را اینجا نوشته اند؟ اولاً باید خاطرشان را مستحضر کنم که رسیدگی این حساب در مالیه و تصدیق آن خیلی قبل از تصدی بنده بوده است و جزئیات آنرا در موقع رسیدگی در وزارت مالیه ندیدم ولی صورت آنرا در آنرا موقع رسیدگی در کمیسیون بودجه مطرح بود کاملاً دیدم و به کم و کیف دوسیه

کاملاً مطلعم و در تمام این صورتهای از چیزی که حرف و صحبت نیست از قرض است. هیچ آناری، سندی، نوشته، صورت حسانی، حتی به حساب گمرک در عهد مرئوس و تمام کتب چاپی خزانه مراجعه کردم هیچ سند و نوشته که مذاکره قرض تویش باشد نبود. آقای دکتر مصدق هم فرمودند شنیدم و مستندشان هم ماده کمیسیون بود و مستند دیگری اینجا اظهار نکردند که بنده به بیم آن مسئله چه چیز است؟ چیزی که در اینجا معین است این است که يك اسلحه مطابق يك صورت معینی خریداری شده که هر کدام از آنها هم قیمت بجزئی معین است بعد دولت خریدار در پاریس جمع این را آورده است و قسط بندی کرده است که درشش قسط هفت قسط بعداً بپردازد. حالا درست در نظر نیست که در چند قسط است ولی در دوسیه بخوبی روشن است آنوقت برای پرداخت هر کدام از اقساط بتاریخ آن سالی که میباید پرداخته شود مثلاً معامله در ۱۹۰۵ مسیحی شده است يك قسطش در ۱۹۰۷ بوده است. يك قسطش در ۱۹۰۸ و يك قسط در ۱۹۰۹ و يك قسط در ۱۹۰۶ بوده است. همینطور سایر اقساطی که معین شده است بتاریخ آن قسط فته طلب از خزانه دولت به آن ترتیبی که سابقاً معمول بوده است و بنده درست نمیدانم و آقای دکتر مصدق بهتر از بنده میدانند صادر شده است و کمپانی هم هر وقت مطالبه میکند مدرک حساب و پرداخت نشدن طلبش این اسناد را قرار میدهد. این اسناد هم که اینجا نیست پیش خودش است و علت اینکه در کمیسیون بودجه این مطلب را قید کرده اند که اسناد خزانه را باید کمپانی بفرستد این بود که اگر این اسناد پیش او نباشد دولت نباید به او پول بدهد. البته این اسناد نباید در دست کمپانی بماند. يك مقدار جزئی از قسط اول پرداخته شده و در همان حساب گمرک که آقا به آن اشاره فرمودند معین شده است و برای اینکه آن حساب هم روشن شده باشد کمیسیون بودجه مقید بود که بگوید آن اسناد و

کلیه قبوض رسید این اسلحه را (اسلحه بعد حمل شده وقتی که خریده اند یا خودشان نیورده اند بعد کمپانی آنرا حمل کرده است و در سرحد تحویل داده است. قبض تحویلی هم پیش او است که باز کمیسیون ذکر کرده است) باید از او مطالبه کنند که به بنمندان مقدار اسلحه که در قرارداد خرید نوشته شده است بقبوض او مطابق میکند و آن مقدار پولی که در اسناد خزانه نوشته شده است حسابش را برساند و از اعتباری که هست پول و را بدهند و در ضمن هم اگر دیدند يك حساب علاوه از آن مبلغی که قاعداد شده دولت ایران پرداخته و سندش موجود نبوده معلوم گردد... دلت مصدق - چرا به حساب او رسیدگی نکردید؟ وزیر مالیه - استدعا میکنم همانطوری که بنده ساکت بودم فرمایشاتتان را کردید حضرت عالی هم اجازه بدهید بنده عرض کنم. حساب رسیدن قسم دارد حساب را يك وقتی از روی صورت حساب میرساند یعنی از روی صورت حساب ارسالی. کجا میگویم آقا آنقدر آشنا به زندگانی اروپائی و اشخاص خارج از ما هستند و میدانند يك کمپانی مثل شنیدر که روزی به این اهمیت و عظمت و بزرگی وقتی يك صورت حسانی میدهد و مطابق آن صورت حساب میگوید فلان قدر قبض پیش من است دروغ نمی نویسد مخصوصاً وقتی طرف معامله يك دولتی باشد که وقتی رفتند و گفتند آقا نو این جا نوشته که مثلاً قبض خزانه معادل هفت هزار و پانصد تومان مثلاً نزد من است این کجا است؟ نگوید مفقود شده است یا دوسیه این کار سوخته است. خیر معاملات يك چنین کمپانی اینطورها نمیشود. و حساب هم کاملاً رسیدگی شده است. يك نکته را آقا فرمودند که من اطلاع دارم که يك یوهائی علاوه بر خرید اسلحه گرفته شده است. بنده عرض میکنم در تمام این دوسیه ها و این حسابهایی که این جا رسیدگی شده است همه راجع به اسلحه

بوده و چیزی راجع به پول دستی نیست، چرا بنده دیده حمل این اسلحه که مأمور ایرانی بوده و میبایستی همراه صندوقهای اسلحه از مارسیل به بوشهر بیاید مدتی معطل شده بود و پول بر سریده بود به کمپانی مراجعه شده بود و کمپانی هم يك مبلغی به خرج مسافرت داده و از او قبض گرفته است این را پول دستی میگویند؟ غیر از اینها، بشد نمیدانم در هر حال این مبلغ مبادله می کند بقیمت اسلحه که صورت داده است.

دکتر مصدق - قیمت اسلحه را بالا برده اند. وزیر مالیه - ممکن است قیمت اسلحه را بالا برده باشند در هر صورت قرار دادی که با مضای دولت وقت ایران و کمپانی است قیمت و میزان اسلحه از روی آن معین شده است. پول بدهی هم روی آن میزان است يك وقتی هست که میخواهیم يك آنکت و تحقیقی از حواشی امر بکنیم البته ممکن است. شاید هم کرده باشند و ممکن است باز هم آقا این بکنند آن را بنده نه منکره نه مخالف و نه عجز ولی از آقای دکتر مصدق میپرسم که فرض می کنیم در آن موقع قیمت اسلحه را بالا برده باشند فلان آدم بطور غیر مشروع دستی گرفته است آیا از نقطه نظر حساب و مقابله اسنادی که بین دولت و کمپانی رد و بدل شده در موقع رسیدگی به محاسبه. وضعیت را چه می کنید؟ اینها يك چیز هائی است که برای خود ما، برای داخله ما برای اعمال ما و بالاخره برای محاسبه ما خوب نیست در هر حال حالا هم بنده حرفی ندارم آقایان هر تحقیقی که میخواهند بکنند. يك اشاره کردند که يك اسلحه از جای دیگر خریده شده است. البته نوی این دوسیه کاملاً معین است. يك قسمت عمده این اسلحه از کارخانه اطریش خریده شده است مثل کارخانه شنیدر نیست و با کارخانه شنیدر معامله را يك جا کرده اند اسلحه را هم تحت نظارت و تشخیص او از کارخانه اطریش خریده اند پولش را هم کارخانه شنیدر داده است و يك

جا با دولت ایران حساب کرده است که بگیرد. این مسئله يك موضوع مخفیانه نیست که يك کمپانی که يك قسمت اسلحه مال خودش نبوده و از کارخانه دیگر خریده قیمت را بالا ببرد. تمام این مسائل يك چیزهایی است که باید در نظر گرفت. این توضیحات است که بنده در جلسه گذشته عرض کردم و حالا هم عرض رسانیده. آقای دکتر مصدق باید این نکته را مسبق باشند. لوابچی که از طرف دولت های قبل تقدیم مجلس می شود اگر دولت بعد آن لایحه را بداند یعنی معتقد نباشد آن لایحه را مسترد میکند وقتی که مسترد نکرد حقیقه مسؤولیت پیشنهاد آن لایحه را از دولت قبل، از دولت قبل از قبل تا هر کجا که میخواهد برود بعهده میگیرد. این لایحه در دوره پنجم از طرف کابینه که مفتخر بریاست شخص اعلیحضرت همایونی بود بمجلس آمد بعد دوره منقضی شد در کابینه که بعد تشکیل شد در دوره ششم (حالا درست خاطر می نیست) گمان میکنم در ریاست وزرائی آقای مستوفی بوده است لایحه مجدداً بمجلس فرستاده شد. بنده وقتی که متصدی امر وزارت مالیه شدم چون یکماه و نیم بیشتر بآخر سال مانده بود و قرار دادی که مالیه برای تصفیه این حساب بسته بود میبایستی در آخر ۱۳۰۵ تکلیفش معلوم شود این بود که بنده آمدم و تقاضا کردم که آقایان در این لایحه مطالعه فرمایند. بنده هیچوقت نگفتم که آقایان در بسته و چشم بسته و ندانسته بیایند باین لایحه رأی بدهند، بنده گفتم ما وظیفه داریم که بیائیم با آقایان تذکر بدهیم که یکی از قضائاتی که صلاح دولت و سیاست مملکت است تصویب این لایحه است و تکلیفش را باید آقایان معلوم کنند و این را باید برای خودشان وظیفه بدانند که این مسئله را درش نظر کنند و رسیدگی کنند بعد درش رأی بدهند. اینکه فرمودند شما لوابج را میآورید بدون اینکه آنها را تقویت کنید و می گذارید که ما با هم دعوا کنیم. عرض میکنم که اینطور

نیست. وقتی که بنده عرض کردم ما ادای تکلیف خودمان را کرده ایم نه معنایش این بود که ما این را آورده ایم این جا حالا شما خودتان میدانید. خیر. ما مصلحت سیاست و مصلحت مملکت حفظ حیثیات و اعتبار مملکت را همانطور که آقای رئیس الوزراء فرمودند در نظر میگیریم و عرض میکنم که صلاح است این را شما تصویب فرمائید دیگر بیشتر از این که نمیتوانیم بشما عرض بکنیم و البته حاکم بر قضیه شما هستید هر طوریکه صلاح میدانید و رأی میدهید همان قسم رفتار میشود.

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- مخالفت بنده به عدت همان حرفی بود که در جلسه قبل عرض کردم. در اطراف این موضوع خیلی چیزها گفته میشود از طرفی هم اطلاع بر حقیقت امر نداریم و البته باید اطلاع داشته باشیم تا رأی بدهیم لهذا بنده استدعا میکنم که در این موضوع يك قرار دادی داده شود تا اطلاعات آقایان نمایندگان کامل شود و بعد بتوانند رأی بدهند. بر فرض هم الان با این وضعیت حاضره که در مجلس هست بخواهید رأی بگیرید و لایحه رد شود باز دولت بعداً مجبور است که پس از مدتی (برای اینکه طلب کار دست از طلب خودش که بر نمی دارد) باز دو مرتبه لایحه را بفرستد بمجلس و در زحمت می افتد. فعلاً خوب است يك فرصتی داده شود که آقایان نمایندگان اطلاعاتشان را کامل کنند بعد در يك جلسه یا دو جلسه دیگر پس از روشن شدن قضیه را مطرح بکنند و رأی گرفته شود. این بود عرایض بنده.

رئیس -- آقای بیات

مرضی قلی خان بیات -- در این قضیه همانطور که اظهار شد در کمیسیون بودجه هم آقایان در این دوسیه خیلی اشکال داشتند و بعد مخصوصاً از طرف کمیسیون بودجه يك هیئتی معین شده که بروند و این دوسیه را رسیدگی کنند آنها هم رفتند و دوسیه را تحت نظر گرفتند و دقت کامل کردند. اولاً همانطور

که اظهار شد راجع بقضی که آقای دکتر مصدق اشاره بآن فرمودند در دوسیه چیزی نیست فقط يك سواد کتابچه و قراری است که صدر اعظم و رئیس الوزرای وقت آن را امضا کرده اند و صورتش هم چاپ شده و در آن دوسیه هست و قیمت اسلحه ها را معین کرده اند (مطابق همین وجهی که معلوم کرده اند) که بابت قیمت اسلحه و تفنگ و فشنگ و مهمات چقدر باید داده شود و هر کدام هم مطابق آن صورت و از روی آن صورت معلوم و معین است ولی در آن چیزی از قرض ذکر نشده و معلوم نیست. بلکه آن صورت کاملاً معین میکند که این پول راجع به اسلحه و مهمات است این قضیه در دوسیه محرز و مسلم است و بعد از آن که آن سه نفر آقایان: آقای سید یعقوب و افشار و بنده مأمور شدیم که در آن دوسیه مطالعه بکنیم دوسیه را رسیدگی کردیم. سه چیز البته باید در معامله رعایت و ملحوظ شود و این سه چیز هم در دوسیه کاملاً معین بود یکی اینکه اسلحه خریداری شده و يك قرار دادی هم بسته شده است معذک کمیسیون نهایت دقت را کرده است در این دوسیه چنانچه ملاحظه می فرمائید در این راپرت. و همانطور که آقای دکتر مصدق خودشان هم اظهار فرمودند در این ماده واحده پیشنهادی کمیسیون بودجه قید شده است که دولت باید سه چیز را بزرگ کمپانی بگیرد و بعد پول بدهد یکی اصل آن قرار داد است که رئیس الوزرای وقت امضاء کرده است که آن را باید بگیرد. یکی هم حوالجات است چون يك حوالجاتی را در آن قرار داد نوشته اند که بقسط این پول داده شود و در ظرف چند سال هم که معین شده گویا يك مقداریش داده شده است. یکی هم چک خزانه و حواله خزانه که در مقابل آن قرار داد داده شده است به کمپانی که در سال فلان حواله شده است از طرف رئیس الوزراء وقت بخزانه که فلان مبلغ باید داده شود و چندتا قبض هم گویا مطابق

آن مواعید مقرر که باید این وجه در آن موعد پرداخته شود هست و قبوض خزانه در مقابلش داده شده است که این قبوضات هم باید گرفته شود. یکی هم اسلحه است که باید بدهد آیا این اسلحه وارد شده است یا نه و تحویل داده اند یا خیر؟ اینها هم پس از دقتهای لازمه معلوم شد که تحویل داده اند و الان تفنگ های سه تیر و توپ های شنیدر موجود است. این قسمت هم که هیچ محل گفتگو نیست. ولی راجع بمقدارش که آیا تمام آنچه که خریده اند تحویل شده است یا کمتر؟ این را ما محض استحضار قرار دادیم در آن ماده واحده که باید رسید تمام اسلحه را بدهد، قبض خزانه را بدهد، قرارداد را بدهد، پس صحت عمل طرف بموجب ماده که نوشته شده است کاملاً ثبت خواهد شد و بجهت یکی پولی نمیدهند که بعضی از آقایان اظهار مخالفت میفرمایند. تمام وکل اسناد باید داده شود يك قسمت از این مبلغ هم که پرداخت شده اسنادش در دوسیه هست که در همان وقتی که میفرمایند میباید نوز در اداره گمرک تحقیقاتی کرده اند و در آنجا می نویسند وجهی که داده شده تقریباً سیصد هزار فرانک است پس در صحت پرداختش هم حرفی نیست و اشکالی باقی نمی ماند و در اطراف قضیه از گمرک و مالیه و غیره تحقیق شده است که چقدر باید تأدیه شود. بنابراین وقتی که این کمپانی اسنادی را که دریافت کرده تحویل بدهد دیگر اشکالی ندارد و از آن طرف هم وقتی ما دیدیم زیاده بر این وجهی که پرداخت شده اسناد دارد و پرداخته نشده است و مسلم شد البته باید پرداخته شود. و امروز بعقد بنده هیچ مقتضی و صلاح نیست که دولت ایران اگر يك حساب بایک بندهی دارد آن حساب و آن بدهی خودش را نپردازد یا اینکه در بونه اجمال بگذارد. اما اینکه فرمودند چطور است که در ظرف این سنوات کمپانی مطالبه نکرده است اگر بدوسیه مراجعه فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که در هر سه از طرف سفارت فرانسه بدولت ایران کاغذ نوشته شده

و مرتباً از وزارت امور خارجه مطالبه ميشده است. ولي چيزي كه بوده است براي دولت ممكن نبوده و ميسر نبوده است پردازد و نداشته است. بعد اظهار ميفرمايند كه چرا در اين دوره اخير مجلس مطالبه نكرده است عرض كم كه در دوره چهارم البته آقایان در نظر دارند كه در اثر وضعيات قبل آن دوره اوضاع مالی دولت ايران خوب نبوده است كه اين طلب را بدهد در دوره پنجم هم كه وضعيت مالی مان خوب بود و مقتضى بود كه اين بدهي را بدهيم و اعتبار دولت را محفوظ بداريم چون در اواخر دوره پيشنهاد شد مدتی در كميسيون بودجه معطل ماند تا تحقيقات در اطرافش بشود. بالاخره از طرف كميسيون بودجه راپورتش طبع و توزيع شد منتهی وقت نشد در مجلس اين قضيه مطرح شود و در دوره ششم ثانياً از طرف دولت پيشنهاد و مجدداً در كميسيون بودجه مطرح شد و از طرف كميسيون بودجه هم راپورت آن به مجلس شوراي ملی تقديم شده است و راپورت كميسيون بودجه دوره پنجم هم الاں در دوسيه حاضر است كه اين قضيه را تصديق كرده است بشار اين باین همه دقتي كه شده است بيش از اين نبايد اين كار را بتأخير انداخت آقایانی هم كه اظهارات فرمودند اگر ميخواستند دوسيه را به بياند بازده روز قبل از طرف مقام رياست بوزارت ماليه نوشته شد و دوسيه را آوردند در هيئت رئيسه و اداره تقنينيه و به آقایان هم اظهار شد كه هر يك از آقایانيكه ميل دارند بروند دوسيه را به بينند و هيچ اشكالي هم نداشت و بعقيده بنده خيلي هم مطلب واضح و روشن است و هرچه در اطراف اين قضيه گفته شود جز يك مكرراتي گمان نميكنم چيز ديگري باشد و وقتي كه يك طلبي مسلم و مشخص شد بايد آن طلب را پرداخت. ما امروز براي راه آهن يك معاملات بزرگي در دنيا ميخواهيم بكنيم. البته بايد طوري بكنيم كه همه كس با كمال رضائت در هر موقعي كه ما بخواهيم يا ما معامله كنند در اينصورت البته ميبايستي بدوا حفظ اعتبارات

خودمان را بكنيم تا به هر كپاني كه بخواهيم معامله بكنيم با كمال سهولت بتوانيم بكنيم
رئيس -- پيشنهاد آقای زوار قرائت ميشود
(اينطور خوانده شد)
بنده كافي بودن مذاكرات را پيشنهاد ميكنم.
رئيس -- آقای زوار
زوار -- عرض ميكنم لوايحي كه بمجلس تقديم ميشود از روي يك اصولی است كه وقتي ميخواهند راجع به يك لايحه صحبت كنند قبلاً آن لايحه بدست نمايندگان ميرسد. اين لايحه هم در يكجا قبل چاپ شده است و بدست آقایان رسیده است و خيلي از آقایان هم مطالعات كامل كرده اند حالا اگر بعضی از آقایان مطالعه نكرده باشند تقصير كسي نبوده است خودشان کوتاهی كرده اند بنا بر اين بنده پيشنهاد كافي بودن مذاكرات را تقديم كردم ديگر بسته است بنظر آقایان

رئيس -- آقای تقی زاده

تقی زاده -- بنده مخالفم

رئيس -- بفرمائيد

تقی زاده -- بنده قبلاً عرض ميكنم كه در اين مطلب از موافقين هستم ولی با كفايت مذاكرات مخالفم و اين احتمال در تحت اين نظر است كه مبدا اين مطلب در مجلس رد شود. تعهدات دولت نسبت بخارجيهها على الاصول بمجلس پيشنهاد ميشود ولی مثل مواجب دادن به فلانكس نيست كه بگويند ميدهيم يا نميدهيم بايد دقت كافي بكنند و بعد از اينكه بطور قطع معلوم شد كه خلاف است و ما مقروض نيستيم و مديون نيستيم آنوقت ميشود رد كرد ولی رد شدن اين مسئله در مجلس بعقيده بنده ضرر اساسی براي مصالح مملكت دارد لهذا بنده ميخواهم تقاضا كنم اجازه بدهيد كه آقایان موافقين و مخالفين هر حرفي دارند بزنند كه كاملاً مطلب روشن شود ولی اين نكته را بايد در نظر داشت كه تعهدات

مالي دولت در عرض ساير چيز ها نيست كه با قيام و قعود بگويند فلان طلب را نميدهيم و بعد معلوم شود كه حق است لهذا بنده مذاكرات را كافي نميدانم
رئيس -- آقایانيكه مذاكرات را كافي ميدانند قيام فرمايند
(عده قليلي قيام نمودند)
رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

شده است كه قرائت ميشود و شايد در ضمن پيشنهاد ها ما بتوانيم يك طوري ماده را اصلاح كنيم كه همه آقایان موافق شوند.
رئيس -- رأی ميگيريم به پيشنهاد آقای نگهبان آقایان موافقين قيام فرمايند
(عده قليلي برخاستند)

رئيس -- تصويب نشد. آقای حاج ميرزا مرتضی

بكنفر زمان نمايندگان -- حاضر نيستند

فيروز آبادی -- بنده پيشنهادی تقديم كرده بودم

رئيس -- راجع بدستور.

فيروز آبادی -- راجع بهمين امر

رئيس -- راجع به تعيين ده نفر

فيروز آبادی -- بل

(پيشنهاد فيروز آبادی بطريق ذيل خوانده شد)

بنده پيشنهاد ميكنم كه كميسيونی از مجلس انتخاب شوند بعده ده نفر و اين دوسيه را خلاصه كرده و خلاصه آنرا طبع و توزيع بين آقایان نمايندگان نمايند بعد تفصلاً دو هفته در مجلس مذاكره شود

رئيس -- آقای فيروز آبادی

فيروز آبادی -- سابقاً بنده پيشنهاد كرده بودم كه تمام اين دوسيه طبع و توزيع شود كفتند زياد است و نميشود فعلاً پيشنهاد كردم كه ده نفر از مجلس معين شوند و رسيدگي بكنند و دوسيه را خلاصه نموده و طبع و توزيع كنند كه نماه آقایان نمايندگان دوسيه را مطالعه نموده و بعد از دو هفته با دقت كامل مذاكره شود و رأی گرفته شود

رئيس -- آقای شريعت زاده

شريعت زاده -- بنظر بنده بهيچوجه مقتضى نيست تا اين قبيل پيشنهاد ها موافقت كرد براي اينكه اگر مختصر توجهی با صل مرزعه بشود معلوم ميشود كه در حدود

بنده عقيده دارم كه بايد طلب را داد و بده را گرفت ولی از نقطه نظر اينكه در مجلس گفته شد كه مقداری اسناد در دست شنيدر است كه پس از اتمام عمل ميبايستي آن اسناد گرفته شود اين است كه بنده پيشنهاد كردم كه آن اسناد و مدارك را بتوسط نماينده خودش ارائه دهد تا پس از تحقيق تصويب شود بخير -- البته تصديق ميفرمائيد كه اساساً هر دقيقه تقاضای خروج از دستور براي مجلس زيبنده نيست. مجلس شوراي ملی روي يك لايحه آمده است و قضاوت خودش را ميكند و همانطور كه نماينده محترم آقای تقی زاده فرمودند البته موافق و مخالف حرف ميزنند و از روي دقت كامل رأی خودشان را اظهار ميكنند و بعلاوه پيشنهاد هائی

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

رئيس -- تصويب نشد. چند دقيقه تنفس داده می شود.
(در اين موقع جلسه براي تنفس تعطيل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشكيل گرديد)
رئيس -- پيشنهادی از طرف آقای نگهبان رسیده است قرائت ميشود
(بمضمون ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم عجالاً اين لايحه از دستور خارج شود تا اينكه كپاني شنيدر در اين خصوص مدارك و اسناد خود را براي رسيدگي و تطبيق بتوسط نماينده خود ارائه نمايد. پس از تحقيق و تصديق رأی برای تصويب گرفتار شود

قرار دادی که بین دولت و کمیان منعقد شده است يك معامله بعمل آمده است كه اسلحه مورد معامله شده است و تسلیم دولت ایران هم شده است و در حدود آن قرار داد باید قیمت اسلحه پرداخته شود اصل این است که پرداخته نشده مگر این که ما دلائلی افامه کنیم که پرداخته شده است. مطابق سوابقی که از بیست سال قبل به اینطرف در وزارت خارجه و سایر مؤسسات هست همیشه در این مسئله مطالعه شده و دولت هم با مطالعه عمیق بنام اسناد و مدارك تصدیق کرده است که يك مبلغی باقی است. حالا ما چه میخواهیم بکنیم؟ آیا میخواهیم تعیین قیمت بکنیم؟ آیا برای اثبات پرداخت وجوهی میخواهیم ترتیبی بدهیم؟ و بالاخره برای چیست؟ اینکه میفرمایند در نظر طرف مجلس مأمور شود و در دوسیه رسیدگی نماید يك کمیسیونی که مرکب از هیجده نفر بوده است مأموریت خوش را انجام داده است و تمام مؤسسات دولتی و وزارتخانه ها دوسیه ها شان برای مراجعه حاضر بود و مدتی هم اینجا بود و بعلاوه این ماده هم طوری تنظیم شده است که جای نگرانی درش نیست زیرا کلیه اسناد مربوطه باین کار باید استرداد شود بعد پول داده شود و البته در اثناء پرداخت حساب اگر احساس شد که يك وجهی زیاد تر پرداخته شده است یا جهات دیگری موجود شد که اسلحه تسلیم نشده است دولت که مسؤل حفظ امور مالی مملکت است وظیفه خود را اجرا خواهد کرد بنا بر این بنده تصور میکنم این قبیل پیشنهادها نشود بهتر است و همانطور که آقای تقی زاده فرمودند هر يك از آقایان جهات مخالفت خودشان را اظهار کنند تا اینکه مجلس موفق بیک فضاوت اساسی بشود.

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای حاج میرزا مرتضی زوار - ایشان اجازه خودشان را با آقای مصدق السلطنه دادند.

رئیس - مجدداً اجازه خواسته اند

حاج میرزا مرتضی - آقایان موافقین استدلالی که میفرمایند يك قسمت عمده اش استدلالی است که دولت باید اعتبارات خودش را حفظ کند. در صورتیکه در مقابل يك ادعائی که ماهنوز نمیدانیم چه صورت دارد و حقیقه معلوم نیست که بدهی دولت هست یا نیست و بعلاوه معلوم نیست چقدر است. ما نباید بدون مطالعه این را تصویب کنیم زیرا بعقیده بنده برخلاف ترتیب است که ما بدون مطالعه بیائیم و يك مبلغ هنگفتی را بپردازیم چرا؟ برای اینکه دولت میخواهد اعتبارات خودش را حفظ کند. بی آنکه يك طلب باقی بود و دولت از تادیبه آن کوتاهی میکرد و نمخواست بپردازد این فرمایشات آقایان بجا بود ولی يك طلبی که هنوز معلوم نیست که چیست و بیست و چهار پنج سال است که در اطرافش يك صحبت هائی شده و يك جوابهائی داده شده و يك اقداماتی شده است حالا ما بیائیم تصویب کنیم بدون اینکه اسناد را دیده باشیم و دوسیه را مطالعه کرده باشیم چه صورتی خواهد داشت؟ خوب اگر يك چنین دوسیه مرتب و منظمی در اینجا هست که طلب کمیان شنیدر را مدلل و ثابت میکنند پس يك وقتی ما بدهند که ما هم برویم و مراجعه کنیم اگر يك چنین چیزی هست ما هم موافقت کنیم بعضی پیشنهاد میکنند که از دستور خارج شود آقایان میفرمایند خیر از دستور خارج نشود. آخر مخالفین هم باید بروند دوسیه و اسناد را به بینند بعد موافقت یا مخالفت کنند. بنده نمیدانم چه جهت دارد اینطور آقایان عجله دارند که حتی دوسیه هم دیده نشود پس بگذارید ما هم برویم و در دوسیه يك مراجعه بکنیم شاید

آن اسنادی را که شما دیدید و موافقت کردید ما هم به بینیم و موافق شویم. فعلاً يك صحبت هائی میشود که يك معامله شده است بعنوان اینکه اسلحه خریده اند و يك قرضی باقی مانده است ولی هیچ معلوم نیست که واقعیت دارد یا خیر؟ اگر واقعیت دارد از وزارت مالیه و از اداره كرك سابقه این کار را میخواهند و تمام فرصتی بدهند که برویم و دوسیه مراجعه کنیم شاید ما هم موافق شویم

(آقای مخبر برای توضیح در محل نطق حاضر شدند)

رئیس -- آقای کازرونی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

ناهل بفرمائید. توضیح بدهند

بعضی از نمایندگان - مخالفیم

کازرونی - عرض میکنم این راجع بالاجبه نیست که موافقت یا مخالفتی داشته باشد و موقع هم مناسب است برای ختم جلسه و يك نوع موافقتی هم هست با بعضی از نظریات. از این جهت بنده عقیده ام این است که جلسه ختم شود و بروز شبیه موکول شود

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض میکنم نماینده محترم باید تصدیق بفرمایند که این قبیل پیشنهادات اصلاً صورت خوبی ندارد. اولاً عدم اعتماد يك عده از رفقا را برفقای دیگر خودشان میسراند و بنده لازم میدانم جداً از طرف کمیسیون بودجه این دفاع را بکنم. آقای فیروز آبادی پیشنهاد میکنند در نفر انتخاب شوند و در این موضوع رسیدگی کنند بنده عرض میکنم هیچده نفر انتخاب شده اند و رسیدگی کرده اند بالاخره این ده نفر فرشته را شما از کجا میآورید؟! یکی دیگر از آقایان پیشنهاد ختم جلسه میکنند. بنده البته نمیخواهم هیچ نوع سوء ظنی نسبت برفقای خودم عرض کنم ولی بالاخره از امتداد دادن قضیه و کش دادن و به امروز و فردا انداختن بنده نمی دانم مقصود چیست؟

ببروز هم همین فرمایشات را میفرمودند که برویم رسیدگی کنیم و کسی نرفت رسیدگی بکنند. آقای حاج میرزا مرتضی که از ابتدا اسم خودشان را جزء مخالفین ثبت کرده اند تا امروز نرفته اند دوسیه را بینند و رسیدگی کنند البته باید بروند و رسیدگی کنند ولی يك همچو لایحه آمده است بمجلس با نوع و قسمه پیشنهادات جورا جور و این تاخیر انداختن بنده تصور میکنم که يك سوء ظنی بطرف پیشنهاد دهندگان جلب شود

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای کازرونی

آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. چون پیشنهاد آقای کازرونی مطابق نظامنامه مقدمه بود این بود که از آقای مخبر تمنا کرده که پس از اینکه رأی گرفته شد اظهارات خودشان را بفرمایند.

مخبر - عرض میکنم اینجا آقای حاج میرزا مرتضی دوسه موضوع فرمودند که بنده مجبورم جواب بدهم اولاً فرمودند که نمیکذارید برویم رسیدگی کنیم میخواهیم از ایشان بپرسیم کی نمیکذارد؟ آیا تاخیری. سدی جلوی پاشان بسته اند؟! بالاخره الان یکساعت است که این لایحه طبع و توزیع شده است و يك هفته هم هست که مطرح است نماینده محترم تشریف نبرده اند رسیدگی کنند هیچ کسی هم مانع ایشان نموده است که بروند و رسیدگی کنند و اما اینکه میفرمایند يك دوسیه که اصلاً رسیدگی نشده و يك طلب واهی است اینطور نیست فقط قصور از طرف ایشان بوده که رسیدگی نکرده اند. آقای فیروز آبادی میفرمایند چند نفر بیایند و رسیدگی کنند. بنده البته نمیخواهم جسارت کنم که وقتی ما دوسیه را بگذاریم جلوی آقای فیروز آبادی ده روز هم تفحص بکنند چیزی استنباط نخواهند فرمود

زیرا تخصصی از محاسبات و این اسناد ندارند

کازرونی - مثل همه

مخبر - کمیسیون بودجه با حضور نماینده های دولت و بالاخره در چندین جلسه کمیسیون تشکیل داده شده و با اطلاعاتی که داشته اند باینکار رسیدگی کرده اند و از روی سند و مدرک يك طلبی را تصدیق کرده اند . آقای فیروز آبادی هم اگر میل داشتند می خواستند تشریف بیاورند به کمیسیون بودجه کسب اطلاع بکنند کمیسیون بودجه يك کمیسیون درباری است که تمام آقایان نمایندگان حق دارند بنشینند و تماشا کنند . يك عده از آقایان در موقعی که این لایحه مطرح بود آمدند و عملیات کمیسیون بودجه تماشا کردند و دیدند چه جور کار میکنند . بنده خیال نمیکنم که آقای فیروز آبادی و آقای حاج میرزا مرتضی پدش از همکاران خودشان که در کمیسیون بودجه هستند نسبت بمالیه مملکت دلسوزتر باشند . و بالاخره کمیسیون بودجه که از طرف آقایان سمت نمایندگی را داراست راپورت میدهد که رسیدگی کرده است و صحت دوسیه را تصدیق کرده است و آقایان هم حق ندارند نسبت برفقای خودشان این قدر سوء ظن داشته باشند . در هر صورت امتداد دادن يك همچو قضیه بنده تصور میکنم صلاح نباشد پیشنهاداتی شده و آقای مدرس هم پیشنهادی کرده اند بنا براین اجازه بفرمایند که به پیشنهادها رای گرفته شود و به کمیسیون برود که لااقل اگر بخواهند رسیدگی کنند بکمیسیون مراجعه بفرمایند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند باید

پیشنهاد کتبی بدهند تا رأی بگیریم . آقای عمادی

عمادی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اولاً مسئله آن اندازه بدیهی نیست که آقایان وزراء محترم یا اعضاء کمیسیون بودجه توقع این را داشته باشند که بمجرد اینکه این خبر بمجلس آمد بدون اینکه کسی مخالفت کند رأی بدهند . مسئله نا اندازه نظری است و بدیهی نیست و ما هم معترف نیستیم که آقایان در حقیقت يك نوع عصمتی را دارا هستند . مسئله که نظری شد باید درش بحث شود . ممکن است اشتباه شده باشد یا بد فهمیده باشند نه اینکه خدای نخواستہ مخالفت ما دلیل بر این است که نسبت بحکومت محترمی که طرف اعتماد ما است یا کمیسیون بودجه يك سوء ظنی داریم . سابقه مجلس نشان داده است لواحی که ابتداء از طرف دولت پیشنهاد شده است و بکمیسیونها رفته است و بمجلس آمده است یا رد شده و یا تصویب شده است البته اگر موافقت یا مخالفتی در اطرافش شده هیچوجه دلیل بر عدم اعتماد نسبت بدولت و یا کمیسیون نیست بنده استدعا میکنم از آقای مخبر محترم که این نکات را برای رفقا و همکاران خودشان رعایت کنند . بنده شخصاً نسبت به این حکومت کمال اعتماد را دارم معذک خودم را مکلف میدانم که راجع بان قضیه نظریات خودم را عرض کنم . هیچ منافاتی هم ندارد . برروز بود که قضیه بوداغبانس آمد به مجلس و موافق و مخالف هم خیلی صحبتها کردند و بعد از اینکه لایحه اش گذشت يك چیزهایی گفته شد . همین مجلس و همین وکلا و همین دولت هم بودند . حالا چه ضرر دارد که مسائل درست حلاجی بشود . یکی از دلایل مخالفت بنده اشاراتی بود که از

طرف مخبر محترم در جلسات پیش شد که بنده راظنین کرد . آقایان هم اگر فرمایشاتشان را در نظر ندارند مراجعه بفرمایند بصورت مشروح مجلس . در موقعی که دفع میفرمودند نظریات ایشان غیر قطعی بود و فکر بنده بواسطه بیانات ایشان متزلزل شد . حالا هم میفرمایند اگر آقای فیروز آبادی حاضر شوند و نگاه کنند چیزی بر علمشان افزوده نمیشود . آقای فیروز آبادی هم مثل اکثر آقایان که دفتر داری و حساب پردازی بلد نیستند ولي این راجع با کثرت است . بنده دفتر دار و حساب شناسم . تجارت کرده ام . و با داخله و خارجه طرف معامله بودام بالاخره این طور چیزهای زننده را نسبت بهمکاران خودتان ندهید . گویا آقای مخبر بودند یا وزیر که برروز در ضمن اظهاراتشان فرمودند که يك قرار دادی مالیه با این آدم بسته است بعد استمهال شده بنده عرض میکنم در يك موضوعی که نظریه مجلس هنوز معلوم نشده است بنده نمی فهمم قرار داد چه چیز است ؟! و استمهال شده است یعنی چه ؟! چرا بایستی قبل از اینکه نظریه مجلس معلوم شود قرارداد بسته شود که در واقع تصدیق ضمنی شده باشد ! از فرمایشات آقایان بنده همچو می فهمم که این دوسیه که هست از طرف شنیدر یا مدعی ارائه نشده است . حالا نمیدانم این اسناد چطور دست بهم داده اند و ارتباط بهم پیدا کرده اند که يك دوسیه شده است و اینجا آمده است . چون فرمودند اصل سند پیش او است بعد ما باید بگیریم و به بینیم . پس معلوم میشود که مجرد ادعای او را سند قرار داده اند و مجرد مطالبه او را مستند قرار داده اند در صورتیکه مدعی قبلاً باید اسناد خودش را ارائه بدهد اولاً بایستی آن سندی را که دستور داده شده که شما فلان مقدار اسلحه تهیه کنید ارائه بدهد که ما این سند را با اسلحه که وارد شده تطبیق کنیم به بینیم مطابقه میکنند با آن صورتی که دستور داده شده یا نه ؟ بعد از آن به بینیم بر طبق آن دستوری که داده شده تحویل مأمورین دولت

داده اند یا نه ؟ بعد از آنکه این کار صورت گرفت باید دید آن سندی که از طرف دولت ایران در دست دارد که میگویند سند خزانه است و در خطش اظهار کرده در دست دارد یا خیر ؟ بعد از اینکه این کارها را کردیم البته اطراف کار را ملاحظه میکنیم در صورتیکه معلوم و مشخص شد البته میدهیم اما بمجرد اینکه مدعی مینویسد که من يك سندی دارم و يك طلبی دارم و يك تنخواهی از من خواسته بودند و من داده بودم را بدهید و لو راست هم بگوید این طرز قبول کردن و پذیرفتن بعقیده بنده غلط است و برخلاف داد و ستد است . فقط دلیل آقایان این است که اگر کمپانی سند نداشت چرا مطالبه میکرد . پس بهمین دلیل هر کمپانی و هر شخصی که بعقیده ما محترم است آمد و مطالبه کرد سندش همان مطالبه ایست که میکنند زیرا اگر سند نداشت مطالبه نمیکرد

مخبر - این حرف را کی ما گفتیم بنده اینها را تکذیب میکنم .

کازرونی - صورت مشروح مجلس شاهد من است اگر دروغ گفتم فردا صورت مشروح بیرون میاید آنوقت بنده منفعل خواهم شد . گفته شد تطبیق و توزیع دوسیه برخلاف اصول است . چرا برخلاف اصول است ؟ با کدام ماده مخالف است ؟ با کدام قانون مخالف است ؟!

آقای سعید یعقوب - کی گفت ؟ بگو . نترس

کازرونی - کی گفت . حضرت وزیر .

وزیر مالیه - بنده همچو حرفی نزدم

کازرونی - باز هم عرض میکنم صورت مشروح مجلس شاهد من است . آقای مخبر مکرر فرمودند ما دوسیه را احاله دادیم به سه نفر آن سه نفر رفتند و رسیدگی کردند و آمدند راپرتش را دادند . حالا که این سه نفر رسیدگی کرده اند البته درست هم تشخیص داده اند ولي در حدود اقتدارات خودشان . راجع برسیدگی این دوسیه بیش از این نباید قائل شد که کمیسیون

بودجه رسیدگی آن سه نفر را تصدیق کرده است ولی مجلس که ملزم نیست و البته باید خودش دقت نظر کامل نکند در هر صورت بنده عقیده ام این است که سند اصلی مدعی و آن اسناد دیگری که قبض وصول مأمور دولت ایران و آن ورقه دستور هم متضمن آن است ارائه بدهد و ما تطبیق کنیم بعد از آنکه معلوم و مشخص شد آن وقت راجعش را بیاورید بمجلس و از تصویب بگذرانید

مخبر - اولاً آقای کازرونی فرمودند مسئله نظری است بنده نمیدانم مسائل نظری را ایشان چطور تشخیص داده اند. مسائل عددی و حسابی که نظری نیست! دو دوتا میشود چهار تا. این را دیگر چطور میشود بحث کرد؟ میفرمائید من خودم اهل حساب و دفتر داری هستم. بنده نمیدانم در موقعبه دفتران را جمع میزدید و می بستید چطور موضوع را با مسائل نظری تطبیق میکردید؟ مثلاً يك روز جمع میشده است دوهزار و پانصد تومان. بنظر من چهار هزار و پانصد تومان می آمده است و آنوقت چهار هزار و پانصد تومان را مینوشته اید! مسائل نظری همین است آقای کازرونی؟

کازرونی - باریک الله خوب فهمیدی

مخبر - و بالاخره بنده نفهمیدم که مسائل نظری را چطور تشخیص داده اند و چطور طلب مسلم يك كپانی را ایشان میخواهند با مسائل نظری تطبیق نموده و حل کنند. میفرمایند چرا دولت قرارداد بسته و حالا بمجلس آورده است. اولاً دولت قرار دادی بسته. يك محاسبه را بهش خاتمه داده و بصورت قانونی درآورده و برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم کرده است بنده و شما هم روی آن صحبت میکنیم. خوب دولت چه کند؟ غیر از این میتواند کاری بکند؟ یا اول باید بیاید از مجلس سؤال کند که اجازه میدهید من بروم حساب کپانی شنیدم را رسیدگی کنم. بعد بروم رسیدگی کند. یا قبلاً دولت بیاید و اجازه بگیرد که من میخواهم

يك ثبات استخدام کنم آنوقت بعد از آنکه اجازه گرفت برود در بودجه اش بنویسد و بیاورد بمجلس؟ بنده نمی فهمم که دولت چه شکل باید این را بیاورد بمجلس؟ و بالاخره دولت روی يك موضوعی رفته است و يك ماده واحده تنظیم کرده و برای تصویب بنده و جنابعالی بمجلس آورده است. میفرمایند ما باید رسیدگی کنیم. اولاً آن سندی را که درخواست تهیه اسلحه کرده اند به بینیم بعد به بینیم چقدر اسلحه تهیه شده آنوقت به بینیم آیا این اسلحه بسرحد ما رسیده است یا خیر. تمام این وظایف را برای مجلس معین کردند که مجلس باید به بیند آیا اینها بسرحد رسیده یا نه؟ و وارد قورخانه شده یا نه؟ و بالاخره آقای کازرونی تشخیص دادند که مجلس باید قورخانه چی و گمرکچی و مالیه و رئیس مالیه و محاسب مالیه باشد و تمام کارها را خود مجلس بکنند. آخر آقا: اصولی هست. ترتیبی هست. دولتی معین کرده اند. دولت هم ادارات تابعه دارد. و بالاخره هر کدام يك کاری دارند. همه کارها که ما نیست ما که قورخانه چی نیستیم که به بینیم چند تا تفنگ و فشنگ وارد شده است این کار قورخانه است. کار ورود بسرحد هم با كرك است کار حساب کردن هم با مالیه است که باید بیاورد اینجا ما رسیدگی کنیم و تصویب کنیم و السلام. اینجا اظهار فرمودند که طرف خطی نوشته است و ما هم فوراً قبول نموده ایم و باید تصویب کنیم و مخصوصاً خط طرف را چندین مرتبه هم تکرار فرمودند بنده عرض میکنم کدام خط؟ چه خطی نوشته شده؟ و بالاخره مقصود ایشان را نفهمیدم زیرا طرف نازگی خطی ننوشته. در هر صورت دوسیه از اینجا باز میشود که دولت علیه دستور داده است که يك مقدار اسلحه برایش تهیه کنند و صورت معامله که با دولت شده است نه تنها در دوسیه موجود است بلکه طبع و توزیع شده و منتشر شده است و کپانی

مطابق معمول تمام دنیا در معاملات بزرگ این را يك نوع پروبا کاندی برای خودش قرار میدهد و در دنیا منتشر می کنند. عین آن دفتر طبع و توزیع شده و قطع نظر از آن اسنادی که شما می فرمائید نیست و بنده عرض میکنم هست تمام اینها رسیدگی شده است و اسنادی که ما از كرك خواسته ایم که دال بر ورود اسلحه بسرحد شمال و جنوب ما بوده است تمام در دوسیه موجود است. حالا اگر شما کوناهی کرده اید در انجام وظیفه و تشریف نیاورده اید به بینید تقصیر کسی نیست. حالا شما میفرمائید طرف خطی نوشته است ما هم قبول کرده ایم. بنده عرض می کنم طرف خطی ننوشته و بالاخره يك دوسیه ایست و رسیدگی شده است و طلب کپانی را حساب کرده اند يك مبلغی را بهش داده اند و يك مبلغی بقی است و بواسطه همین تأخیر و دلسوزی که برای مالیه مملکت شده است يك مقداری هم تزیل رویش رفته است اینجا فرمودند که ما گفته ایم اگر کپانی طلب نداشت مطالبه نمی کرد بنده که این عرض را نکردم و از هیچکدام آقایان موافقین و مخالفین هم این حرف را نشنیدم. عرض کردم که توپهای شنیدر که تقریباً از توپهای خوب مملکت ما است دلیل بر طلب کپانی است و ممکن است تشریف برید در میدان مشق ملاحظه بفرمائید تفنگهای سه تیر که مقداری از آنها در طرف جنوب خودتان و در دست يك اشخاصی هست دولت از این کپانی خریده است و بالاخره تا ما به آن دانه آخر عدد فشنگش هم رسیدگی نکردیم (و باید هم بکنیم و حضرت عالی هم باید رسیدگی کنید) معتقد نشدیم که طلبکار است زیرا باید طلب او بر روی خریدی که ما از او کردیم ثابت باشد تا ما بتوانیم بدهیم بالاخره يك قدری هم توکوک سو کمیسیون رفتند در صورتیکه سو کمیسیون هم میتواند يك چنین معامله متقابله با آقای کازرونی بکند...

آقا سید یعقوب - بنده الان میکنم

مخبر - بالاخره بعد از تمام فرمایشاتش بنده عرض میکنم که حالا ما این قضیه را چکار باید بکنیم بطور خلاصه میخواهند بفرمایند که پیش از این وقت مجلس صرف این کار نشود و آن علاج قطعی که معمولاً روی تمام قضایا ما در مجلس داریم آن را بفرمایند یا اصلاً پیشنهاد کنند که چون طلب کپانی قبل از مشروطیت بوده است و ما هم تعهد نکردیم بنا بر این نمیدهیم. خوب این يك چیزی است. خلاصه اینکه يك راه حلی نشان بدهند و الا ما هر روز بیائیم اینجا و بنام وسائل تشکیل پارلمان را مرتب کنیم و روی يك معامله حرف بزنیم و عاقبت معلوم نشود که چکار باید بکنیم چه نتیجه دارد و بالاخره بنده استدعا میکنم آقای کازرونی بفرمایند که راه عملی چیست و چه باید کرد که رفع این شر بشود

آقا سید یعقوب - بنده اخطار نظامنامه داره رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اگر این جا در جلسه اظهار نشده بود و اسمی سو کمیسیون را معین نکرده بودند (که آقای بیات و افشار و بنده بودیم) بنده عرض نمی کردم لیکن چون این جا اظهار شد که سو کمیسیون برای اینکار معین شده و اشخاص آنها معین شد لهذا بنده عرض میکنم که آقای کازرونی رفیق محترم بنده تو همین کردند به سو کمیسیون. بنده عرض میکنم که مخالف دولت هستم و ایشان میگویند موافقند با اینکه دروغ میگویند بالاخره بنده رفتم در سو کمیسیون تمام این چیزهایی که اسم آوردند در آنجا بود و کاملاً رسیدگی کردیم بکنفر از مخالفین (آقای حقنویس) سؤال کردند که دوسیه هست یا نه؟ گفتیم دوسیه را برده اند. اما بکنفر دیگر از مخالفین که داد میزد نیامدند...

رئیس - آقا این اخطار نیست.

آقا سید یعقوب - بالاخره بنده عرض میکنم که چرا این حرف را میزند ما در سو کمیسیون کاملاً این